

خوانش منظر شهر اشرف البلاد در دوره صفوی و نسبت آن با مجموعه باغ‌های صفوی*

سمیرا منصوری رودکلی**

عیسی اسفنجاری***

هما ایرانی بهبهانی****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۸

علمی پژوهشی

چکیده

یکی از روش‌های معمول در پژوهش‌های باغ‌های ایرانی این است که باغ‌ها را پدیده‌ای درون‌گرا در نظر می‌گیرند. محصور در دیوارهایش و جدا از بستری که آن را احاطه کرده است. با این دیدگاه، برخی از ویژگی‌های مهم باغ‌ها نادیده گرفته می‌شوند. از سوی دیگر، تشخیص چهره اصیل شهر در منظر امروزی شهرهای تاریخی به دلیل تغییرات سریع شهری روزبه‌روز دشوارتر می‌شود. این امر ضرورت توجه به شناخت صحیح و حفاظت اصولی از منظر تاریخی این شهرها و عناصر تشکیل‌دهنده آن‌ها را ایجاب می‌کند. از آنجا که ساختار شهر در دوره صفوی، بسیار تحت‌تأثیر باغ‌ها و به‌خصوص باغ‌های شاهی بوده، پژوهش حاضر بر شناسایی روابط میان باغ و شهر در شهر اشرف البلاد صفوی متمرکز شده است. هدف این مقاله پی بردن به چگونگی کیفیات روابط و پیوندهای میان باغ‌های شاهی به‌عنوان عناصر شاخص منظر شهری تاریخی شهر صفوی اشرف البلاد با سایر اجزای تشکیل‌دهنده آن است. برای این منظور، از روش مطالعات تاریخی که رویکردی کاربردی در بازبانی جنبه‌های پنهان این ارتباط است، بهره گرفته شده است. در این راستا پیگیری مرحله‌به‌مرحله، منطبق با مراحل شکل‌گیری شهر انجام شد. با دنبال کردن این رویکرد، ساختارهای شهری گذشته و حال بر اساس اطلاعات مبتنی بر شواهد مکتوب و ریخت‌شناسانه، مورد مقایسه و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج این پژوهش نمایانگر برخی از نمودهای ارتباط ساختاری میان باغ‌های شاهی و این شهر تاریخی است که در طول سالیان، کم‌رنگ شده است؛ از جمله جایگاه باغ‌های شاهی در مراحل طرح‌ریزی شهر، در ساختار شبکه ارتباطی شهر، در تراکم شهری و در نظام سلسله‌مراتبی حاکم بر منظر شهری. بر اساس این نتایج، کیفیاتی از پیوندهای میان باغ و شهر روشن می‌شود که معرف هویت شهر صفوی بوده‌اند و بدون آن‌ها، هم ارزش‌های شهر مخدوش می‌شود و هم میراث باغ‌ها ناگفته می‌ماند.

کلیدواژه‌ها:

باغ ایرانی، منظر شهری تاریخی، ساختار شهر، شهر صفوی، اشرف البلاد (بهشهر).

* این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری نویسنده اول با عنوان *بازشناسی روابط میان مجموعه باغ‌های شاهی صفوی و منظر شهری تاریخی شهر بهشهر در راستای حفاظت از آن‌هاست* که در دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان و زیر نظر استادان راهنما دکتر عیسی اسفنجاری کناری و دکتر هما ایرانی بهبهانی در حال انجام است.

** دانشجوی دکتری مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، نویسنده مسئول، smansouri88@gmail.com

*** استادیار، گروه مرمت بناهای تاریخی، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان

**** استاد، گروه طراحی محیط، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۸ - پاییز و زمستان ۹۹

صفحات ۲۵-۴۷

۲۵

پرسش‌های پژوهش

۱. ضرورت شناسایی روابط میان باغ و ساختار شهر تاریخی در چیست و چرا باید از آن به‌عنوان ارزش پنهان در حفاظت از باغ‌های تاریخی درون‌شهری معاصر چیست؟
۲. روابط میان مجموعه باغ‌های صفوی اشرف البلاد با شهر از دیدگاه منظر شهری تاریخی چگونه بوده است و چگونه می‌توان ویژگی‌های این ارتباط را که امروزه وجود ندارد، از طریق پژوهش تاریخی روشن کرد؟

مقدمه

باغ‌های تاریخی اغلب به دلیل ارزش‌های طبیعی ذاتی‌شان، ارزش‌های کالبدی و یا ارزش‌های تاریخی-فرهنگی شناخته شده در آن‌ها مورد توجه و حفاظت قرار می‌گیرند. حفاظت و نگهداری از باغ‌ها به دلیل ویژگی‌های ماهوی باغ و زنده بودن اجزای آن، دشواری‌های فراوانی را به حفاظت‌کننده تحمیل می‌کند. علاوه بر این، باغ‌های تاریخی ایران به فراخور اقلیم، کاربرد و تاریخ ساختشان از لحاظ ریخت‌شناسانه، گوناگونی بسیاری دارند. همین فراوانی در گونه‌ها و آسیب‌ها، تنوع بی‌شماری از شیوه‌های مداخله را به دنبال دارد که گهگاه موجب بروز ایده‌های حفاظتی قائم بر شخص مرمتگر می‌شود.

یکی از مواردی که در غالب مداخلات حفاظتی و حتی مطالعاتی باغ‌ها مورد غفلت واقع می‌شود، توجه به بستر قرارگیری باغ است. از سویی، با در نظر گرفتن این اصل که گاهی مرمت نادرست می‌تواند از بی‌توجهی به اثر آسیب‌رسان‌تر باشد، بخش گسترده‌ای از ارزش‌های باغ‌های تاریخی از دست رفته است یا اینکه در معرض خطر قرار می‌گیرد؛ ارزش‌هایی که نبودن آن‌ها درک کامل از چیستی اصیل باغ را مخدوش و گاهی ناممکن می‌سازد. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر، آشکارسازی روابط باغ با منظر و شناخت چگونگی این ارتباط است؛ زیرا از طریق مطالعه موبه‌موی این روابط است که می‌توان بهترین مسیر حفاظت را یافت. به بیانی دیگر، فهم اهمیت یکپارچگی ساختاری باغ و شهر، راهبردی به‌سوی یکپارچگی حفاظت این دو است؛ مفهومی که در مباحث حفاظتی، کمتر به آن توجه شده است. نگاه تکی به هریک از عناصر شاخص شهری، بخش بزرگی از ویژگی‌های آن اثر و شهری را که آن آثار را در بر گرفته است، ناگفته می‌گذارد. ویژگی‌هایی که به مرور زمان، کم‌رنگ و فراموش می‌شوند چنان‌که گمان می‌رود هرگز وجود نداشته‌اند.

این مسئله در مطالعات دوره صفوی که طرح باغ و شهر در یکدیگر ریشه داشته‌اند، اهمیتی ویژه می‌یابد. مطالعات انجام‌شده درباره باغ‌های صفوی، نشان از روابط انکارناپذیر آن‌ها با بستر قرارگیری‌شان دارد؛ به‌خصوص در باغ‌های شاهی قرار گرفته در شهرها این مسئله جنبه‌های مختلف و پیچیده‌ای پیدا می‌کند. برای این منظور در این پژوهش، اشرف البلاد (بهشهر امروزی) و باغ‌های آن مطالعه شده است. این شهر که در دوره صفوی و به دستور شاه‌عباس اول پایه‌گذاری شده است، علاوه بر دارا بودن خصوصیتی که تاکنون برشمرده شد، ویژگی دیگری نیز دارد و آن این است که باغ‌های شاهی و شهر هم‌زمان طرح‌ریزی و برپا شده‌اند. بنابراین، همان‌گونه که انتظار می‌رود، ساختار باغ و شهر در اینجا کاملاً گویای درهم‌تنیدگی پیش‌تر مطرح شده است. مسئله دیگری که باعث انتخاب این شهر و باغ‌هایش به‌عنوان موضوع این پژوهش شد، تغییرات فراوان ساختاری آن در دوره معاصر است که روزبه‌روز یافتن ردپای عناصر تاریخی شهر را دشوارتر می‌کند. اگرچه تخریب این باغ‌ها پس از جانشینان شاه‌عباس اول آغاز شد و حتی در زمان‌هایی به متروک شدن شهر انجامید، شدت تغییرات منظر شهری اشرف البلاد و باغ‌های آن را می‌توان به پس از صنعتی شدن شهر در دوره پهلوی اول تاکنون نسبت داد. در این زمان بود که هویت شهر از یک شهر تاریخی به شهری صنعتی تغییر کرد و همین مسئله ارزش‌های شهر را متحول نمود. بی‌توجهی به ارزش‌های باغ‌های تاریخی، آن‌ها را به زمین‌های خالی بارزشی تبدیل کرد که با داشتن موقعیت مناسب نسبت به منابع آب و سایر زیرساخت‌های شهری، به‌سرعت تغییر کاربری یافتند. با نظر به اهمیت مطرح کردن دوباره ارزش‌های تاریخی شهر برای توقف روند این تخریب‌ها و تغییرها، مقاله حاضر درصدد است

تا کیفیات ازدست‌رفته باغ‌ها و منظر شهری این شهر را دوباره آشکار کند. هدف از این آشکارسازی، توجه بیشتر به این ارزش‌ها در طرح‌های حفاظت و برنامه‌ریزی‌های شهری و در نهایت توقف از میان رفتن آن‌هاست.

از آنجا که لازمه یافتن روابط باغ‌های شاه‌ی صفوی و شهر اشرف‌البلاد از پس پیچیدگی‌های ساختاری شهر امروزی و همچنین از ورای تغییرات و ویرانی‌هایی که گذر زمان در هر دوی آن‌ها به وجود آورده، روی آوردن به مطالعات تاریخی است، این روش برای خوانش منظر شهری مد نظر این پژوهش قرار گرفته است. به این منظور، پس از گردآوری اسناد تاریخی، اعم از اسناد تصویری و مکتوب، توصیفات شهر تاریخی اشرف‌البلاد و باغ‌های آن با اطلاعاتی که وضعیت امروزی باغ‌ها و ساختار شهری به دست می‌دهد، انطباق داده شد. با استفاده از این روش، اطلاعات گمشده فراوانی که در اثر تخریب‌های وسیع و ناپدید شدن بسیاری از شواهد قابل مشاهده نبودند، بازیابی شدند. مطالعه اطلاعات اسنادی امروز در کنار مطالبی که پس از آنالیزهای این پژوهش خود را هویدا کردند، باعث دستیابی به نتایجی شدند که گویای چگونگی روابط از میان‌رفته باغ‌های تاریخی و شهر صفوی هستند.

بر پایه مطالب گفته‌شده و با توجه به اهمیت در نظر گرفتن رشته‌های هم‌پیوندی بین باغ‌ها و شهر تاریخی در حفاظت آن‌ها، این مقاله در ابتدا مروری بر مبانی نظری این نوع نگاه یکپارچه دارد و دلایل اهمیت یافتن آن را از نقطه نظر منابع و استدلال‌های منطقی بیان می‌کند. سپس با اتکا به شواهد و اسناد و بررسی قدم‌به‌قدم از مراحل آغازین طرح‌ریزی باغ‌ها و شهر، سعی در پی بردن به روابط ساختاری نهان میان آن‌ها دارد؛ کما اینکه اکنون این روابط از میان رفته و یا به دلیل تغییرات گسترده شهری از چشم پنهان باشد.

۱. پیشینه تحقیق: مروری بر مطالعات اشرف‌البلاد و باغ‌های آن

از اولین کتاب‌هایی که درباره این شهر نوشته شده است، می‌توان اشرف‌البلاد (باباعسگری ۱۳۵۰) و از آستارا تا استرآباد (ستوده ۱۳۶۶) نام برد. گذشته از این دو کتاب، باید به مطالعاتی که عالمی (۱۹۹۱ و ۱۹۹۴) بر روی باغ‌های اشرف انجام داده است، اشاره کرد. او در این مقالات، اسناد تاریخی موجودی که به این باغ‌ها اشاره کرده‌اند، گردآوری کرده و با کنار هم گذاشتن آن‌ها نقشه‌ای از مجموعه باغ‌های این شهر ارائه کرده است که در آن بر وجود میدان جلوخان در جلوی ورودی باغ‌ها نیز تأکید شده است. اهمیت این نقشه در داشتن جزئیات فراوان است که گویای نتایج مطالعات گسترده زمینه‌ای صورت گرفته است؛ چنان که نه تنها حدود و عرصه باغ‌ها، حتی آن‌ها را که از میان رفته‌اند هم نشان می‌دهد، بلکه شکل کوشک‌ها، مسیرهای آب، حوض‌ها، درختان و حتی انواع آن‌ها نیز در این نقشه قابل مشاهده هستند. ویلبر نیز در کتاب باغ‌های ایران و کوشک‌های آن، به مجموعه باغ‌های اشرف‌البلاد توجه کرده و یک بخش از کتاب را به پرداختن به باغ‌های شمال کشور (فرح‌آباد و اشرف‌البلاد) اختصاص داده است. ویلبر در کنار نقل قول از منابع پیش‌تر از خودش، بقایای مجموعه باغ‌های اشرف را در قالب نقشه‌ای ترسیم کرده است (ویلبر ۱۳۸۳، ۱۳۷). نکته قابل توجه در نقشه ویلبر، ناپدید شدن میدان جلوی باغ‌شاه است؛ فقط خیابانی در امتداد خیابان اصلی باغ‌شاه با جوی آبی در میان آن در نقشه به چشم می‌خورد. باغ‌های شمال و زیتون نیز در این نقشه دیده نمی‌شوند و از آن‌ها فقط نامی باقی مانده که در محل حدودی باغ‌ها بر روی نقشه نوشته شده است. ساده کردن را می‌توان از ویژگی‌های این نقشه دانست؛ زیرا خطوطی که در واقعیت (حتی در نقشه‌های تاریخی) کج یا شکسته هستند، در این نقشه، صاف ترسیم شده‌اند و همچنین ابعاد باغ‌ها با واقعیت و برخی از نقشه‌های دقیق‌تر مغایرت دارند. اما نویسنده از نکات تازه‌ای همچون وجود نقاره‌خانه در بالای سردر اصلی ورودی باغ‌شاه که در راستای محور اصلی میدان قرار داشته است، خبر می‌دهد (همان، ۱۳۹).

علاوه بر منابعی که ذکر آن‌ها رفت، پژوهش‌هایی نیز در قالب پایان‌نامه در خصوص این باغ‌ها انجام شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به پایان‌نامه‌های هنجار شکل‌یابی باغ ایرانی؛ با تأکید بر نمونه‌های عصر صفوی کرانه جنوبی دریای خزر (حیدرنتاج ۱۳۸۹)، طرح مرمت و باززنده‌سازی باغ‌کوشک چشمه عمارت بهشهر (رضایی چراتی ۱۳۸۱ الف) و طراحی منظر باغ‌های تاریخی بهشهر و قلمرو آن (مصباح نمینی ۱۳۸۶) بده است که بر اساس همین مطالعات، این پژوهشگران مقالاتی را نیز منتشر کرده‌اند. رضایی چراتی (۱۳۸۱ ب) مروری بر منابع مکتوب و همچنین نقشه‌های

تاریخی انجام داده است که در کنار کارهای میدانی ارزش یافته‌اند. منابع دست اولی مانند نقشه‌های ترسیم شده توسط هانری و بوله، برای اولین بار در این مقاله معرفی شده‌اند. مصباح نمینی (۱۳۸۳) نیز به باغ‌های تاریخی بهشهر پرداخته است. او بخش‌های تاریخی شهر را به چهار بخش تقسیم می‌کند و به وجود آمدن تمامی این بخش‌ها را مربوط به زمان تأسیس شهر می‌داند (همان، ۵۷). او در همین مقاله دو فرضیه درباره منابع آب باغ‌ها ارائه می‌کند و در انتهای مقاله بر اساس توصیفات سیاحان، روندی از شکل‌گیری باغ‌های اشرف در چند نقشه ارائه می‌کند. در این نقشه‌ها نویسنده، باغ دیوان‌خانه (باغ شاه) را مربعی ترسیم می‌کند و شکل کنونی باغ را ناشی از تغییرات آبی آن می‌داند. نکته جالب توجه این است که او باغ‌های غربی را در نقشه اولیه ترسیم نمی‌کند. حیدرنتاج (۱۳۹۱) نگاهی الگوشناسانه به باغ‌های تاریخی حوزه دریای خزر داشته و در ضمن این بررسی، باغ‌های بهشهر را نیز مد نظر داشته است. به نظر می‌رسد هدف نویسنده، شناختن ساختار کلی باغ‌ها و ساده کردن آن‌ها برای رسیدن به الگوهای مشخص بوده است.

با توجه به مطالعاتی که مرتبط با باغ‌های تاریخی و شهر اشرف البلاد تاکنون انجام شده است، به نظر می‌رسد اغلب پژوهش‌های پیشین یا منابع محدودی را مد نظر قرار داده‌اند و یا اینکه به بخش محدودی از باغ‌های تاریخی که امروزه باقی مانده، پرداخته‌اند. لذا پژوهش حاضر بر محدوده کلی مجموعه باغ‌های احداث شده در زمان شاه‌عباس اول، شامل باغ‌های باقی مانده و از میان رفته، متمرکز شده است. ضمن اینکه در اینجا شناخت جزئیات این باغ‌ها در پیوند با منظر شهری صفوی و از طریق بررسی اکثر منابع تاریخی و امروزی در دسترس انجام است.

۲. مبانی نظری: نگاه یکپارچه به باغ و شهر تاریخی

از دیدگاه حفاظت از باغ‌های تاریخی، نگاه یکپارچه به باغ‌های تاریخی و منظر شهری، امکان شناخت عمیق تر باغ را که از ارکان اصلی یک طرح حفاظت اصولی است، فراهم خواهد کرد. اگر منشور فلورانس را به‌رغم تمام کاستی‌هایی که آن را به‌عنوان مرجعی برای حفاظت از باغ‌های ایرانی ناکافی می‌کند، تنها مبانی مدون موجود برای حفاظت از باغ‌های تاریخی بدانیم، پژوهش محور و اسنادمحور بودن تمامی مداخلات و همچنین اهمیت انجام مطالعات دقیق تر و عمیق تر در این باب را مورد تأکید ویژه قرار می‌دهد (Icomos 1981, 5). علاوه بر این، منشور ونیز هم بنای مرمت را بر پایه یافتن مستندات اصیل گذاشته، تأکید می‌کند که به‌محض در دست نبودن مستندات و آغاز حدس و گمان، عملیات مرمتی باید پایان یابد (Icomos 1964, 9). در بیانیه شی آن چند راهکار مفید برای حفاظت از بستر محوطه‌ها و ساختارهای تاریخی گنجانده شده که اولین آن‌ها شناخت، مستندنگاری و تفسیر بستر و تداوم این شناخت و پایش در زمان است (Icomos 2005, 3). بنابراین بازخوانی و تفسیر وضعیت گذشته باغ که باید بر اساس شواهد موجود و اسناد و مدارک معتبر صورت بگیرد، یکی از ضرورت‌های اصلی در حوزه حفاظت باغ‌های تاریخی است که به حفاظت شناخت محور منتهی می‌شود. تغییرات وسیع در ساختارهای باقی مانده از باغ‌های تاریخی و اصالت‌سنجی اسناد به‌دست آمده، از جمله دلایل دشواری این امر به حساب می‌آیند.

از سویی لازمه مطالعه و شناخت دقیق و اصولی، در نظر گرفتن تمامیت و یکپارچگی موضوع مورد مطالعه است که اصالت طرح را تضمین می‌کند؛ زیرا بدون آن امکان از دست رفتن بخش‌هایی از جزئیات اصیل وجود دارد. آنچه مسئله شناخت و مطالعه تمامیت باغ به شکلی را که مد نظر است با مشکل مواجه می‌کند، مسائلی از قبیل نگاه جداگانه به بناها و محوطه‌ها در طرح‌های حفاظت و برنامه‌ریزی‌های شهری و پیروی از الگوی ثابت و استاندارد برای همه باغ‌های تاریخی به‌عنوان الگوی مرجع است. برای پی بردن به اهمیت این موضوع باید اشاره کرد که در منشور واشنگتن، به لزوم حفظ تمام کیفیات مادی و معنوی که گویای ماهیت شهر تاریخی هستند، تأکید شده است (Icomos 1987). علاوه بر این، برای حفاظت از تمامیت و یکپارچگی باغ‌های شهری با محیط اطرافشان می‌توان از بیانیه شی آن بهره برد. در این بیانیه، به نقش بستر در منزلت و شخصیت محوطه‌ها و سازه‌های تاریخی تأکید شده و این نقش فراتر از جنبه‌های کالبدی و دیداری دانسته شده است. از سوی دیگر، رویکرد منظر شهری تاریخی نیز از مرمت کالبدی محیط فراتر می‌رود و روی تمامیت محیط انسانی، با همه کیفیات ملموس و ناملموس آن تمرکز می‌کند. این شیوه به دنبال

بالا بردن پایداری برنامه‌ریزی و طراحی مداخلات با توجه کردن به محاسبه محیط ساخته شده موجود، میراث ملموس، تنوع فرهنگی، عوامل اقتصادی اجتماعی و محیطی به همراه ارزش‌های اجتماعی محلی است (UNESCO 2012, 5). کانزن طرح‌های انتزاعی برنامه‌ریزی شده را بر اساس تفکیک مؤلفه‌هایی که پیش از این دارای تأثیر متقابل بودند، مسبب نابودی حس یکپارچگی شهری می‌داند. از نظر او، اگر از دیدگاه زبان‌شناسی به ریخت‌شناسی شهری نگاه بیندازیم، می‌توان این موضوع را به کنار هم قرار گرفتن حروف و تشکیل کلمات و یا کنار هم قرار گرفتن کلمات و به وجود آمدن جملات معنی‌دار تشبیه کرد؛ واضح است که هر جمله‌ای با کلماتش معنی می‌یابد و توضیح و تفسیر هر کلمه به تنهایی نمی‌تواند گویای مفهوم اصلی جمله باشد (Conzen 1975, 1978). در مطالعه و حفاظت باغ‌های تاریخی نیز جدا کردن آن‌ها از زمینه، خطر از بین رفتن معنا و مفهوم کلی پیوستار فضا را به دنبال خواهد داشت. با توجه به اینکه بخش مهمی از هویت و چیستی عناصر و محوطه‌های تاریخی که در یک بستر کنار هم قرار می‌گیرند، به نحوه قرارگیری آن‌ها در بستر و چگونگی ارتباط آن‌ها با یکدیگر و با بستر قرارگیری‌شان بستگی پیدا می‌کند، با نادیده گرفتن این ارتباطات نمی‌توان مدعی حفاظت یکپارچه و کامل که دربرگیرنده تمامیت ارزش‌های این آثار باشد بود. در واقع توجه به این مسئله، نوع جدیدی از یکپارچگی بصری را به وجود می‌آورد که باعث ایجاد احساس تداوم گذشته در شهر می‌شود (Siravo 2015). به عبارتی، تأکید بر ارتباطات موجود میان عناصر و کرانه‌های شهری‌شان، از جمله آنچه این پژوهش در مبحث باغ‌های تاریخی مد نظر قرار داده است، می‌تواند عامل پیوند و یکپارچگی اجزای قرارگرفته در یک بستر و در نتیجه رسیدن به طرح حفاظتی منسجم و جامع شود. به‌بهانه‌ی گسستگی طرح‌های حفظ و احیای باغ‌ها از ساختار سرزمین را یکی از عوامل عدم موفقیت این طرح‌ها می‌داند؛ زیرا به‌رغم اهمیت زیاد بستر در ثبات باغ، عناصر ساختاری آن ناآگاهانه تغییر کرده و از باغ تنها لکه‌ای سبز رو به زوال باقی مانده است (ایرانی بهبهانی ۱۳۹۶، ۱۷۳). پیش گرفتن رویکرد کل‌نگر منظر شهری تاریخی از لحاظ حفاظتی به‌صورت دوسویه می‌تواند در مقوله حفظ هویت باغ تاریخی و شهر دربرگیرنده‌اش اهمیت داشته باشد. تشخیص هویت یک فضا مسیری است که از عینیت موجود توسط مخاطب فضا دریافت می‌شود و طی فرایند ادراک، به یک پدیده ذهنی تبدیل می‌شود (بهزادفر ۱۳۸۷، ۲۲). در این مسیر، کالبد شهر با معانی پنهان در فضاها، خاطرات را شکل می‌دهد؛ خاطراتی که با مرور آن‌ها هویت مکان شکل می‌گیرد (آتشین‌بار ۱۳۸۸). خاطره نقشی مهم در تصور شهری دارد، البته نه آنچنان که آینده را به درون کالبد گذشته بکشد. خاطره همواره در ارتباط با اکنون ساخته و بازساخته می‌شود و در نتیجه همواره چیزی معاصر است (بیانچینی ۱۳۹۳، ۷۶). آنچه موضوع خاطره را به بحث این مقاله مرتبط می‌کند، این است که مکان از طریق تمایزاتش^۲ بر تداعی و خاطره و از این طریق بر تشخیص هویت مکان تأثیرگذار است (Rapoport 1980). بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که داشتن فضاها، مشابه و عاری از تمایزات، منجر به از دست رفتن هویت منظر شهری می‌شود. یکی از راه‌های اجتناب از این امر، شناخت کامل و جامع و توجه به ویژگی‌های عناصر تاریخی تأثیرگذار بر منظر شهری است که بی‌شک باغ‌های تاریخی از جمله مهم‌ترین این عناصر هستند. امروزه یادمان‌های شهری در کل دنیا نقش شاخصی در خلق هویت‌های ملی پذیرفته‌اند. بر این اساس با مطالعه باغ تاریخی از دیدگاه منظر شهری که دربرگیرنده خصوصیات بصری و ویژگی‌های ادراکی منظر است، می‌توان به ویژگی‌های هویتی مکان که حفاظت‌گر را در حفظ اصالت آن یاری می‌کند، پی برد.

در همین راستا رویکرد این پژوهش از جهت فرض قرار دادن تنوع گونه‌شناختی باغ‌های تاریخی و پرهیز از پیروی از الگوی مرجع برای این گونه باغ‌ها نیز ضرورت پیدا می‌کند. نگرش مبتنی بر الگو بر پایه پیروی از ساختاری غیرمنعطف و ثابت برای باغ‌های ایرانی بنا نهاده شده و بر این اساس الگویی واحد را که عموماً به‌اشتباه از کلمه چهارباغ (چارباغ) برداشت شده است، به تمام باغ‌های ایرانی تعمیم می‌دهد. این کوته‌نگری زمانی چالش‌برانگیز می‌شود که ملاک اصلی برای تعمیر و حتی بازآفرینی باغ‌هایی قرار می‌گیرد که بخشی از ساختارشان از میان رفته است. بنابراین باغ‌هایی که با دیدگاه الگومحور مورد مداخله قرار می‌گیرند، همواره در خطر اصیل پنداشته شدن افزوده‌های جدید به‌جای ساختار اولیه در مطالعات و مداخلات بعدی قرار دارند. سوای اشکالات وارد به الگوی مرجعی که برای باغ ایرانی مطرح می‌شود،^۳

رخداد دیگری که پیامد الگومحور پنداشتن باغ ایرانی اتفاق می‌افتد، ترویج نوعی یکسانی و تشابه در ساختار باغها و ساختارهای وابسته به آن است که منجر به از میان رفتن تنوع و گوناگونی طرح و جزئیات باغ‌های تاریخی ایران می‌شود. اشکالاتی که در اثر این رویکرد به وجود می‌آید، گاه به دلیل از میان رفتن ساختار و شواهد موجود و گاه به دلیل قوت گرفتن تصور اشتباه صورت‌گرفته، امکان بازیابی و بازساخت ساختار اصیل اولیه را دچار اشکال اساسی و حتی غیرممکن می‌کند.

بر اساس آنچه در این بخش گفته شد، مبانی نظری مرتبط با رویکردی که این پژوهش برای مطالعه ارتباط میان باغ و منظر شهری در شهر اشرف البلاد در پیش گرفته است، قالبی را برای آن ارائه می‌کند؛ قالبی که در آن، چهار عامل شناخت‌محور بودن، پاسداشت یکپارچگی مکان، حفظ هویت، حفظ تنوع گونه‌شناختی را به عنوان شاخصه‌های بنیادین و زیربنایی پژوهش معرفی می‌کند. به نظر می‌رسد به کار گرفتن این چهار عامل در عین غنا بخشیدن به فرایند مطالعه، نتایج آن را برای طرح‌های حفاظتی و برنامه‌ریزی‌های شهری، مفیدتر و کاربردی‌تر می‌کند.

۳. نسبت باغ و شهر در طراحی شهر اشرف البلاد^۴

طراحی شهر تاریخی زمانی که دقیقاً محل تلاقی طبیعت و مداخلات انسان باشد، بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا از این دیدگاه می‌توان آن را ایجادکننده فصل مشترکی میان منظر فرهنگی و منظر شهری به حساب آورد. طرح یک شهر تاریخی باید در عین حال که از مقتضیات جغرافیایی و طبیعی مکان مورد نظر تبعیت می‌کند، به اهداف و مفاهیمی که مدنظر است برسد. به بیان دیگر، برای طراحی یک شهر که برای حضور پادشاه مهیا می‌شده است، معنایی برای مکان متصور بوده که بایستی با وجود امکانات و محدودیت‌های طبیعی موجود برای رسیدن به آن قدم برداشته می‌شده است. به این منظور، کلیتی برای مکان طراحی می‌شده و بر این اساس اجزا مرحله‌به‌مرحله شکل می‌گرفته‌اند.^۵

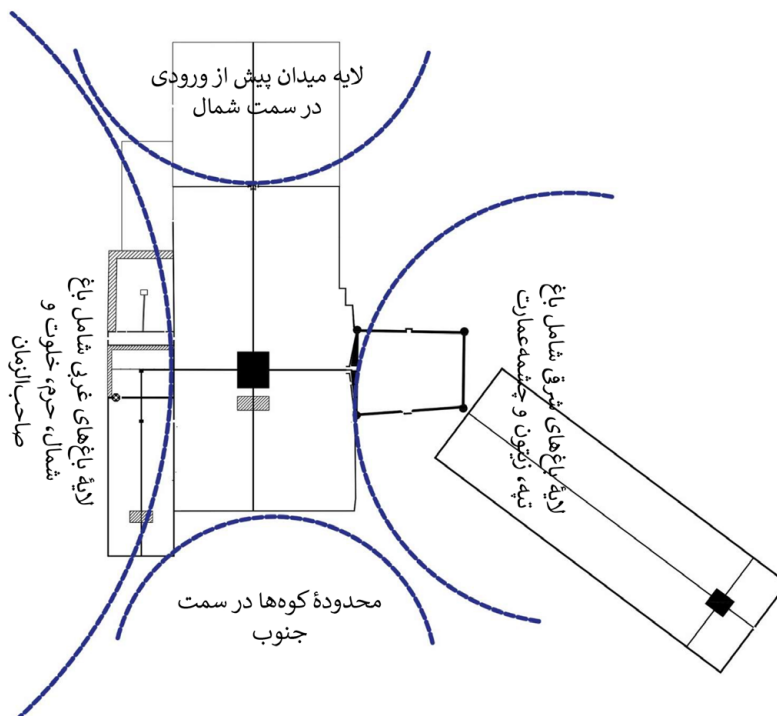
در این راستا توپوگرافی، اقلیم، منابع آب، شکل زندگی رایج محلی و امثال این‌ها زمینه شکل‌گیری طرح کلی را تشکیل می‌دادند که بر اساس رسیدن به هدف معنایی مورد نظر طراحی می‌شد. اولین جلوه‌های طراحی شهر را می‌توان در مکان‌یابی مهم‌ترین عنصر آن، که همان طور که در بخش‌های پیشین اشاره شد بر اساس توپوگرافی و منابع آب صورت می‌گرفته است، مشاهده کرد. مهم‌ترین عنصر در شهرهای شاهی طبیعتاً محل حضور شاه بوده که در دوره صفوی، که موضوع این مقاله است، به صورت ترکیب باغ - کاخ بوده است. پتروچیولی اساس طراحی شهرهای شاهی را سه موضوع می‌داند: ۱. مکان‌یابی و طراحی باغ‌ها و قصرهای شاهی؛ ۲. اهمیت دادن به تشریفات سلطنتی؛ ۳. ترکیب باغ‌های شاهی به شکل ترکیب گسترده و پیچیده به صورت یک هزارتو (Petruccioli 2011, 354). بنابراین دور از انتظار نیست که در این شهرها باغ‌های شاهی پایه شکل‌گیری شهر و سازمان‌دهی فضایی آن را تشکیل می‌داده‌اند. واضح است که سازمان‌دهی اقامتگاه شاهی نیاز به بالاترین سطح از توانایی‌های اداری و امنیتی داشت. برای این منظور، ساده‌ترین و سریع‌ترین راه این بود که به طور مستقیم از روش‌های مشخص شده برای طرح‌بندی، سازمان‌دهی و تقسیم‌بندی فضاها استفاده شود. راه طبیعی این کار تکیه بر فرم‌های کهن‌الگویی بود که می‌توانستند در عین حال که سلسله‌مراتب درباری را رعایت می‌کنند، طبیعت را مهار کنند. در میان این مجموعه از عناصر، باغ یک کهن‌الگوی متعالی بود؛ زیرا به طور سنتی هر دوی این اهداف را برآورده می‌کرد.

بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان در نظر آورد که باغ‌های شاهی در سیستم طراحی اشرف البلاد، نقش هسته متمرکز اولیه را داشتند که سایر اجزای شهر را سامان‌دهی می‌کردند. بنابراین آن‌ها اولین عناصری بودند که در میان محدوده شهر مکان‌یابی شدند. در محدوده در نظر گرفته شده برای شهر اشرف البلاد، طبیعت، دو قطب اصلی نمایان دارد که یکی کوه‌ها در قسمت جنوبی و دیگری دریا در بخش شمالی آن بودند. با در نظر گرفتن نزدیکی به منابع آب شیرین که از کوه‌ها سرچشمه می‌گرفتند، همچنین با توجه به مسائلی همچون دفع هرزآب‌ها و سیلاب‌ها، تأمین چشم‌انداز مسلط به شهر، ایجاد امکان دیده شدن و در نهایت، ایجاد فاصله مناسب با بخش مردم‌نشین و تأمین امنیت، باغ‌های شاهی نزدیک به کوه احداث می‌شد (تصویر ۱).



تصویر ۱: موقعیت باغ‌های بهشهر در میان دو قطب کوه و دریا؛ بر اساس تصویر برداشت‌شده از Google Earth در تاریخ ۱۳۹۸/۸/۸

حال نوبت گام بعدی یعنی تقویت طرح در قسمت باغ‌های شاهی به‌عنوان ایده کلی طرح است.^۷ در این گام، مراکز کوچک‌تر در راستای تقویت مرکز اصلی طرح به بخش اصلی اضافه می‌شوند تا همچون جواهری از آن پشتیبانی کنند. این ایده در باغ‌های اشرف البلاد با طرح‌ریزی باغ‌های متعدد شاهی در پیرامون باغ‌شاه به‌عنوان هسته اولیه و مهم‌ترین بخش مجموعه انجام گرفت. بدین ترتیب با ایجاد ترکیب باغ‌درباغ به شکل لایه‌های تودرتو، سعی در تقویت هسته اولیه شکل‌گیری مجموعه شاهی شد (تصویر ۲).^۸



تصویر ۲: ترکیب مجموعه باغ‌درباغ و میدان پیش از ورودی که هسته اولیه شکل‌گیری طرح اصلی را تقویت می‌کنند.

پس از این مرحله، نوبت به بخشی می‌رسد که در ضمن تأکید بیشتر بر اهمیت بخش شاهی، ارتباط میان دو بخش ساخته‌شده شهر، یعنی قسمت مربوط به شاه و قسمت مربوط به مردم عادی را تأمین کند. برای این منظور، خیابان اصلی شهر که از محور اصلی باغ‌شاه به سمت دریا امتداد می‌یافت، عنصر دومی شد که در طراحی شهر مد نظر قرار گرفت.^۹ این خیابان از چند جهت در طراحی شهر حائز اهمیت بود: یکی اینکه با قرار گرفتن در راستای خیابان اصلی باغ‌شاه، این خیابان رابط و تسری‌دهنده طرح بخش شاهی در بخش عادی شهر بود؛ دوم اینکه چشم‌انداز همیشگی از شهر به باغ‌های شاهی را که مبین اهمیت آن‌ها بود تضمین می‌کرد؛ سوم اینکه موجب خوانایی شهر می‌شد و به شهر ساختار می‌بخشید (تصویر ۳). در یک فضای دارای ساختار، انسان می‌داند که در کجا قرار گرفته است و جهت در فضا برای انسان معنی دارد و فضا از این طریق ارزش کیفی لازم را می‌یابد. در شهر، انسان نیازمند آن است که خود را در فضا مکان‌یابی کند و این کار به وسیله یک نقطه (در اینجا مجموعه باغ‌های شاهی) و یک خط (در اینجا خیابان اصلی) انجام می‌شود. شایان ذکر است که ایده خیابان که در طراحی شهر اشرف البلاد به‌عنوان یکی از عناصر اصلی شهر به کار گرفته شده بود، ایده‌ای ریشه‌دار در طراحی شهرهای ایران در دوران صفوی بوده است که نمونه‌های آن در شهرهای هرات، تبریز، قزوین و اصفهان نیز وجود داشته‌اند. در بخش بعد، به این مقوله بیشتر پرداخته خواهد شد.



تصویر ۳: موقعیت باغ‌های تاریخی و خیابان اصلی در منظر شهری اشرف البلاد که مانند نقطه (جلب توجه‌کننده و جذب‌کننده) و خط (جهت‌دهنده به دید و حرکت و سازمان‌دهی‌کننده ساختار) به مدد خوانایی شهر می‌آمده‌اند. بر مبنای تصویر برداشت‌شده از Google Earth در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۳۱

۴. نسبت باغ و شهر در میان ساختارهای ارتباطی شهر اشرف البلاد

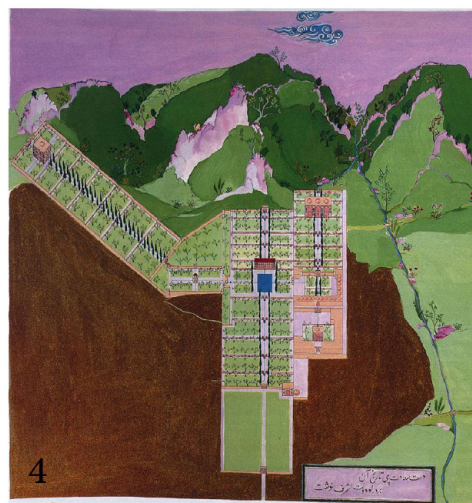
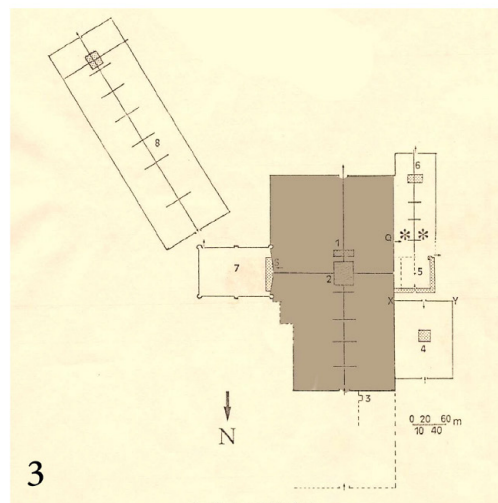
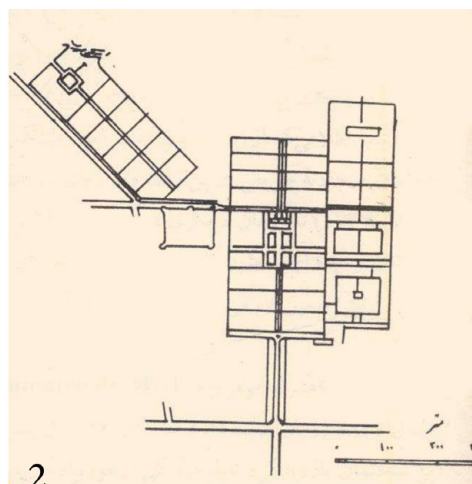
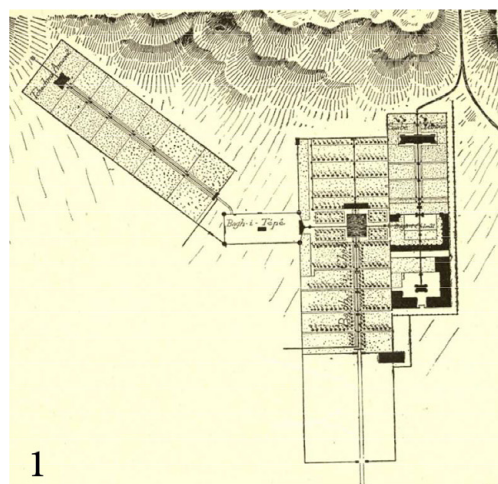
به‌علت پیچیدگی ذاتی منظر شهری، ناچار برای مطالعه آن باید از راه شناخت ساختارهای موجود در آن وارد شد. یکی از عناصر تأثیرگذار در منظر شهری، ساختارهای ارتباطی موجود در آن هستند. از آنجا که ارتباط بین پدیده‌ها فهم بهتر آن‌ها را در پی دارد، شناخت الگوهای پنهان ارتباطات [میان عناصر شهری] کلید مطالعه علمی ساختار منظر شهر است (Salingeros 2005, 17). شبکه شهری ساختاری پیچیده و در عین حال سازمان‌دهی‌کننده است که از ابتدای طرح‌ریزی شهر میان عناصر ساخته‌شده شهری به وجود می‌آید. اهمیت توجه به حفاظت از ساختارهای ارتباطی میان عناصر شکل‌دهنده شهر، مسئله‌ای است که در منشور واشنگتن نیز مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است (Icomos 1987).

در میان الگوهای موجود حاکم بر ساختارهای ارتباطی، ساختار شهر اشرف البلاد را می‌توان ساختاری خطی توصیف کرد که به تبعیت از دو قطب طبیعی حاکم بر منظر شهری، یعنی منظر غالب کوه و دریا، راستای شمالی جنوبی دارد

(تصویر ۴). اهمیت محور یا محورهای اصلی در طراحی ساختار پایه شهر، نکته تازه‌ای نیست. اما آنچه شهر اشرف البلاد را از بسیاری از شهرهای شاهی دیگر متمایز می‌کند، جهت‌گیری این محور است. در بیشتر شهرهای تاریخی ایران، جهت محور(های) اصلی ساختار شهری از جهت قبله، ارتباط میان مجموعه اقامتگاه شاهی و مسجد و یا در برخی از موارد، از عوامل اقلیمی تبعیت می‌کنند.



تصویر ۴: ساختار خطی شهر اشرف البلاد که در میان قطب‌های طبیعی موجود شکل گرفته بوده است.



تصویر ۵: تصاویر تهیه‌شده از مجموعه باغ‌ها که میدان و امتداد خیابان را در آن‌ها می‌توان مشاهده کرد: ۱. نقشه ژاک دمورگان (۱۸۹۰م) (De Morgan 1894, 181); ۲. نقشه دونالد ویلبر در اوایل قرن بیستم (ویلبر ۱۳۸۳، ۱۳۷): ۳. نقشه هانری ویوله (۱۹۱۳-۱۹۱۴) (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور); ۴. نقشه مهوش عالمی (عالمی ۱۳۹۲)

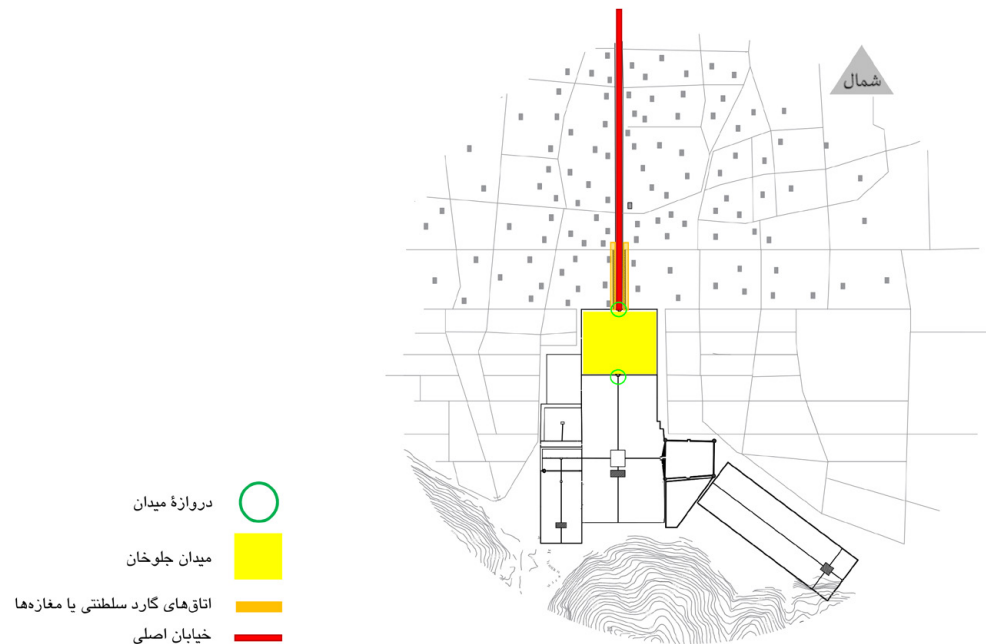
همان طور که گفته شد، این موضوع در شهر اشرف البلاد تا حدودی متفاوت بوده و با تبعیت از محور میان دو قطب طبیعی حاکم بر شهر یعنی کوه و دریا، بر راستای خیابان اصلی باغ‌شاه انطباق می‌یابد. بنابراین راستای خیابان اصلی باغ‌شاه با امتداد در شهر نقش خیابان اصلی شهر را عهده‌دار می‌شود که سایر عناصر شهری را در اطراف خود سازمان‌دهی می‌کند. از سویی، اتصال این خیابان به باغ‌های شاهی بدون عنصر واسطه‌ای همچون میدان بی‌معنا می‌نمود. بر این اساس در طرح ابتدایی شهر، میدانی موسوم به سبزه‌میدان در محلی پیش از مدخل اصلی باغ‌شاه مکان‌یابی شد که مکمل ساختار ارتباطی شهر باشد. این میدان و خیابان تقریباً در تمامی طرح‌هایی که از باغ‌ها تهیه شده است به چشم می‌خورند (تصویر ۵). بنابراین در ادامه، این دو عنصر اصلی ساختار ارتباطی شهر بیشتر مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

خیابان: خیابان اصلی در فضاهای شهری مکانی عمومی است که قابلیت بالایی برای خدمات فرهنگی، تجاری، مذهبی و مانند آن‌ها و در عین حال برقراری روابط اجتماعی دارد.^{۱۰} احتمالاً خیابان فضایی است که از باغ به عاریت گرفته شده و جلوه و مقیاسی شهری پیدا کرده است. پیش از سده نهم هجری قمری، این واژه در متون ادبی و تاریخی مرتبط با توصیف شهر دیده نمی‌شود و در متونی که به توصیف باغ پرداخته‌اند نیز دو واژه «راه» و «چمن» نزدیک به معنی خیابان کاربرد داشته‌اند. قدیمی‌ترین منابعی که از واژه خیابان نام برده‌اند، با هرات تیموری پیوند دارند (جیحانی و رضایی‌پور ۱۳۹۶، ۳۷). در اشرف البلاد صفوی نیز خیابان اصلی علاوه بر نقش‌هایی که پیش از این گفته شد، نقش ایجاد ارتباط میان بخش‌های مختلف شهر از جمله بخش‌های سلطنتی و بخش‌های مربوط به عامه مردم را عهده‌دار بود. این خیابان از باغ‌شاه شروع می‌شد و پس از میدان تا انتهای شهر و تا کرانه‌های دریا در سمت شمال ادامه می‌یافت. در ابتدای این خیابان، پس از دروازه میدان، در هر سمت، سی اتاق مخصوص گارد سلطنتی وجود داشت (فریزر ۱۳۶۴، ۲۵). دلاواله این خیابان را پر از دکان و مغازه توصیف می‌کند (دلاواله ۱۳۷۰، ۱۶۶). از آنجا که هر کدام از این روایات مربوط به دوره‌های متفاوت است و نیز از آنجا که گفتار دلاواله به علت حضور در زمان رونق شهر به گفته‌های دیگران که در زمان متروکه و مخروبه بودن آن را دیده‌اند برتری دارد، می‌توان تصور کرد که اتاق‌های گارد سلطنتی که فریزر توصیف می‌کند، همان دکان‌هایی باشد که دلاواله از آن‌ها یاد می‌کند.

به نظر می‌رسد این خیابان که در تعامل با محور ارتباطی اصلی بین اشرف البلاد و ساری قرار داشت، تنها خیابان مهم شهر بوده و با توجه به بافت روستایی که در منابع تاریخی توصیف شده، احتمالاً این شهر، خیابان پراهمیت دیگری نداشته است؛ اگرچه تنها با گفتن این توصیفات نمی‌توان نقش پراهمیت این خیابان را در منظر شهری تاریخی اشرف البلاد تجسم کرد. برای درک این اهمیت، شاید تجسم خیابانی عریض‌تر از تمامی گذرهای شهر که با گشودن راهی در میان انبوهی از درختان باغ‌های مسکونی شهر، منظره باشکوه باغ‌های شاهی را در یک سو به نمایش می‌گذاشته است، راهگشا باشد (تصویر ۶).

میدان: نقش میدان در فضای شهرهای ایران از نظر منظر و کارکرد، نقشی دیرینه و انکارنشده است. با اینکه این عنصر شهری در دوره صفویه و در شهرهایی که برای اقامت شاه در نظر گرفته می‌شد نقشی ویژه در ترکیب باغ‌های شاهی با سایر بخش‌های شهر داشت، وجود میدان به‌عنوان فضایی برای تجمع و برگزاری جشن‌ها و گردهمایی‌های عمومی، قدمتی پیش از این دارد. در نقشه‌ای که تری آلن^{۱۱} از هرات دوره تیموری ترسیم می‌کند، برخی از فضاهای شهری همچون میدان که با نام «عیدگاه» خوانده شده و گذرهای شهری، در خارج از حصار قرار دارند. آلن میدان را به دوره آل کرت (۴۳ق/ ۱۳۴۵م تا ۷۹۱ق/ ۱۳۸۹م) نسبت می‌دهد و مکان آن را جایی در شمال کهن‌دژ هرات می‌داند (Allen 1983, 17).

نقش دوگانه میدان در میان فضاهای شهری دوره صفوی آن را به مفصلی برای اتصال و ارتباط میان دو بخش شاهی و عمومی شهر تبدیل کرده است؛ زیرا از سویی، نقش جلوخان را برای باغ‌های شاهی ایفا می‌کند^{۱۲} و از سوی دیگر فضایی برای گردهمایی عمومی مردم، ایجاد بازارهای موقت، نمایش‌ها و بازی‌هایی را فراهم می‌آورد که گهگاه شاه و درباریان نیز به تماشای آن می‌پردازند (عالمی ۱۳۸۵؛ Alemi 1991). البته گفتنی است که میدان‌های صفوی



تصویر ۶: مکان‌یابی ساختارهای اصلی ارتباطی میان باغ‌های شاهی و شهر

اغلب فضاهای عمومی دیگری همچون مسجد و بازار را نیز در اطراف خود داشتند که این خود، کارکرد عمومی این عنصر شهری را تقویت می‌کرد.

در مجموعه باغ‌های شاهی شهر اشرف البلاد نیز میدان جلوخان موسوم به سبزه‌میدان وجود دارد. اگرچه اضلاع این میدان در زمان صفوی عملکردی نداشته‌اند، در محل اتصال خیابان به میدان ردیف دکان‌هایی وجود داشته‌اند که می‌توان آن‌ها را بازار شهر نامید. اسناد موجود همچنین به وجود دو دروازه، یکی برای ورود به میدان از خیابان اصلی و دومی به‌عنوان سردر ورودی اصلی باغ‌شاه اشاره کرده‌اند.^{۱۳} با وجود این دو دروازه می‌توان دریافت که احتمالاً ورود به این میدان برای عموم و در هر زمانی آزاد نبوده است. از سویی، عمومی بودن میدان نیز با توجه به وجود نقاره‌خانه،^{۱۴} که برای اطلاع دادن موارد خاص به عموم کاربرد داشته است، و همچنین توصیفات دلواله، که حضور مردم و از جمله گرجی‌هایی را که برای تغییر مذهب در حضور شاه در این مکان تجمع کرده بودند تصریح می‌کند، انکارناپذیر است (دلواله ۱۳۷۰، ۱۶۰). بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که میدان در شهر اشرف البلاد، فضایی واسطه میان بخش شاهی و قسمت عمومی شهر بوده است که برای دیدارهای کنترل‌شده مردم با شاه یا درباریان از آن استفاده می‌شده است. عملکردی که نه در باغ‌های شاهی می‌توانسته انجام شود و نه در مکان‌های کاملاً عمومی مانند خیابان (تصویر ۷).

۵. نسبت میان باغ و شهر در سلسله‌مراتب شهری اشرف البلاد

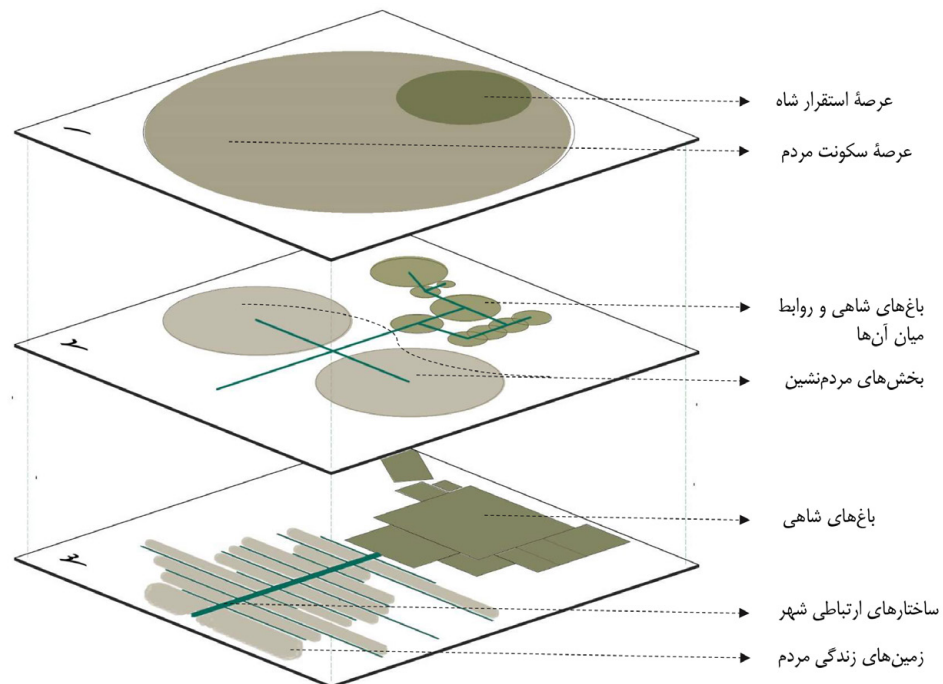
سلسله‌مراتب یکی از ویژگی‌های سیستم‌های پیچیده‌ای همچون شهر و شبکه‌های شهری است. این ویژگی ارتباطی سامان‌مند را بین اجزای نظام‌یافته محیط ایجاد می‌کند که علاوه بر اهمیت آن در درک هر یک از این اجزاء، در درک کل فضا نیز مؤثر است. آنچه در این مقاله مطالعه شده، سلسله‌مراتب فضایی حاکم بر ساختار شهری است که روابط میان باغ‌های شاهی و سایر عناصر ارتباطی شهر را تعریف می‌کند. آنچه سلسله‌مراتب فضایی را تقویت می‌کند و موجب



تصویر ۷: جایگاه میدان و خیابان صفوی در شهر امروزی

پایداری آن در طول زمان می‌شود، انطباق آن بر سلسله‌مراتب معنایی محیط است. در واقع فرایندهای مختلفی که در لایه‌ها و مقیاس‌های مختلف مکان رخ می‌دهند، چه در همان لایه و چه در میان لایه‌های مختلف، با هم در ارتباطند (Mesarovic, Maco and Takahara 1970). در یک نظام سلسله‌مراتبی پیچیده، هر لایه از فضا ویژگی‌های لایه دیگر را تقویت و به فهم آن توسط مخاطب کمک می‌کند (Salingaros 2000, 157). بنابراین در یک نظام شهری مبتنی بر سلسله‌مراتب انتظار می‌رود که هر یک از عناصر تشکیل‌دهنده فضا علاوه بر عملکرد اصلی خود، نقش ثانویه‌ای را که همان ایجاد پیوند میان سایر عناصر است، بر عهده داشته باشند. این نکته پیوستاری منعطف را در ساختار فضایی مکانی شهر به وجود می‌آورد که موجب تقویت ساختار شهری به موجودیتی فراتر از مجموعه اجزایش می‌شود. اما هم‌زمان این خطر را هم به وجود می‌آورد که با از میان رفتن هر یک از عناصر این ساختار یکپارچه و یا حتی با رنگ باختن سلسله‌مراتب حاکم بر آن‌ها، کل ساختار دچار آسیب شود.

به عبارت دیگر، سلسله‌مراتب فضایی در شهرهایی همچون اصفهان و قزوین که مکان حضور شاه و درباریان بوده‌اند، آنطور که در اشرف البلاد هم می‌توان مشاهده کرد، علاوه بر پیروی از عملکرد، جغرافیا، معیار و مانند آن‌ها از عواملی همچون امنیت و محرمیت تبعیت می‌کند و بدین ترتیب بر دسته‌بندی‌های عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی انطباق می‌یابد.^{۱۵} در این راستا باغ نیز به عنوان یک عنصر پیچیده با ترکیبی از عناصر معنادار در سیستم سلسله‌مراتب شهری وارد می‌شود. برای این منظور، باغ در چند مقیاس در این سیستم عمل می‌کند. اول در مقیاس بزرگ‌تر که مجموعه باغ‌های شاهی به عنوان عرصه شهری در شبکه روابط و منظر شهر وارد می‌شود؛ دوم در مقیاس میانی که خود باغ‌ها در ترکیب با سایر عناصر شهر تعریف می‌شوند و روابط میان باغ‌ها شکل می‌یابد؛ و سوم در مقیاس کوچک‌تر که عناصر هر باغ سوای کارکرد جداگانه‌ای که دارند، نقشی در نظام سلسله‌مراتبی شهر و باغ‌ها را پذیرا می‌شوند (تصویر ۸).^{۱۶}



تصویر ۸: تصویری شماتیک از لایه‌بندی سلسله‌مراتب در منظر شهری اشرف البلاد. لایه اول، در مقیاس بزرگ عرصه‌های عملکردی شهر؛ لایه دوم، در مقیاس میانی روابط میان باغ‌ها و زمین‌های عامه؛ و لایه سوم، در مقیاس خرد سلسله‌مراتب مؤثر بر اجزای کوچک‌تر فضا. واضح است که تعریف لایه‌های دیگر باعث تقویت سلسله‌مراتب و در نتیجه ساختار حاکم بر فضا و منظر شهر خواهد شد.

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان لایه‌های مختلف سلسله‌مراتب شهری را در اشرف البلاد بر اساس مقیاس‌های مختلف تشریح کرد. در کلی‌ترین مقیاس، با نگاه غیر کالبدی، شهر به دو حوزه عملکردی کلی شاه‌نشین و حوزه مردم عادی دسته‌بندی می‌شود. در لایه بعدی، مجموعه باغ‌های شاهی به‌عنوان قلب حوزه شاه‌نشین و خیابان اصلی (درب‌گیرنده بناهای عمومی و مغازه‌ها) به‌عنوان عنصر مرکزی بخش مردمی توسط عنصر واسطه‌ای به نام میدان، به یکدیگر متصل می‌شوند. این ترکیب، دسته‌بندی کلی فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی شهر را با محوریت بخش حاکم‌نشین مشخص می‌کند. در لایه بعدی، خود مجموعه باغ‌ها را نیز می‌توان بر اساس میزان محرمیت دسته‌بندی کرد که این معنا بر سلسله‌مراتب ورود به آن‌ها نیز انطباق می‌یابد. بر این اساس به‌ترتیب ابتدا باغ شمال، به‌عنوان پیش‌فضای تدارکات و آماده‌سازی، اقامت مستخدمان و همچنین فضای پیش از ورود به باغ‌شاه از میدان^{۱۷} و پس از آن باغ‌شاه به‌عنوان محل دیوان‌خانه و انجام امور حکومتی و پذیرایی از مهمان‌ها قرار می‌گیرند. بعد از این باغ‌های صاحب‌الزمان، خلوت و تپه به‌صورت شعاعی به باغ‌شاه ارتباط پیدا می‌کنند و در نهایت باغ‌های حرم و چشمه‌عمارت که در انتهای زنجیره ارتباطی میان باغ‌ها قرار می‌گیرند، به‌عنوان خصوصی‌ترین باغ‌های این مجموعه شناخته می‌شوند. در لایه بعدی که با مقیاس اجزا و عناصر معماری از دید نزدیک‌تری به شهر نگاه می‌کند، جزئیات بیشتری به این سلسله‌مراتب اضافه می‌شود. تمامی ورودی‌هایی که برای گذر از هر مرحله باید طی شوند، مسیر آب‌های جاری میان باغ‌ها و از باغ‌ها تا شهر و خیابان‌های باغ‌های شاهی و قسمت عامه شهر، جزئی از این لایه به حساب می‌آیند. از جمله اینکه دو ورودی در ابتدای ورود به میدان از سمت شهر و ورود به باغ‌شاه از سمت میدان قرار دارند که ورود و خروج را کنترل و محدود می‌کنند؛ همچنین ایوان عمارت اصلی باغ‌شاه خود به‌عنوان عنصر واسطه‌ای میان خیابان و عمارت اصلی واقع شده است.^{۱۸} به‌علاوه تمام خیابان‌ها، ورودی‌ها و مسیرهای آبی که ارتباط میان باغ‌ها را میسر می‌سازند.

بنابراین با توجه به موارد یادشده می‌توان به پیوندی عمیق میان عناصر بااهمیت شهر که با روابطی دقیق و از پیش تعیین شده در کنار هم قرار گرفته بودند، پی برد. آنچه تا اینجا گفته شد، نشان می‌دهد که توجه به مقوله سلسله‌مراتب در لایه‌های مختلف طراحی شهر و باغ نفوذ کرده و موجب یکپارچگی باغ‌ها و بافت شهری پیرامونشان شده است. روشن است که حفظ هرکدام از این عناصر به‌تنهایی و بدون در نظر گرفتن روابط میان آن‌ها که بخشی از چستی آن‌ها را شکل می‌دهد، تا چه اندازه سطحی و ناآگاهانه است. بی‌توجهی به موضوع پراهمیت سلسله‌مراتب در برنامه‌ریزی‌های شهری، لطامت بسیاری را متوجه باغ‌های مورد بحث کرده ولی همچنان برای حفظ آنچه از آن‌ها باقی مانده، تنها راه موجود در نظر گرفتن آن در طرح‌های آتی است.

۶. نسبت میان باغ و شهر در تراکم بافت شهری اشرف البلاد

بحث درباره جایگاه باغ‌های تاریخی در تراکم شهری از جنبه‌های مختلفی دشواری‌های خاص خود را دارد. اینکه شهر پدیده‌ای همگن نیست و تراکم آن ممکن است در کل شهر یکسان نباشد، امری واضح است. این عدم توازن در تراکم شهری می‌تواند به عواملی مختلفی از جمله جغرافیا، فرهنگ، آب‌وهوا، تمرکز فعالیت‌ها و مشاغل، و حتی میزان درآمد و قیمت زمین‌ها وابسته باشد. تراکم شهری می‌تواند از لحاظ کالبدی و عملکردی بررسی شود که خود این عوامل نیز می‌توانند بر یکدیگر تأثیر داشته باشند. این روابط و جریان‌های مکانی پیچیده بوده و در مقیاس‌های مختلفی تأثیرگذار هستند، از کلان‌شهر گرفته تا پایین محله، بلوک و سطح بسته، و در نتیجه پیچیده‌تر از آن هستند که بتوانند با یک تعداد واحد بیان شوند. این موضوع درباره باغ‌های تاریخی که باید بر اساس مطالعات تاریخی بررسی شوند، پیچیده‌تر می‌شود. این مسئله موجب شده است تا در این پژوهش به این مقوله مشخصاً از زاویه کالبدی نگاه شود. از سوی دیگر، این مبحث از مطالعات شهری همواره به‌صورت داده‌های کمی و با محاسبات عددی مورد بحث قرار می‌گیرد. در این مقاله، به دلیل متفاوت بودن جنس کار و متکی بودن آن بر داده‌های برآمده از اسناد تاریخی که غالباً توصیفی بوده و دارای ابعاد و اندازه نیستند، تنها سه شاخه از مبحث تراکم که بتوان با اطلاعات تاریخی موجود آن‌ها را استنتاج کرد، بررسی شده‌اند. بنابراین این بررسی در سه شاخه زیر دنبال شده است که می‌توانند تا حدودی جنبه‌های مختلف این وجه از پیوند میان باغ‌ها و این شهر صفوی را روشن سازند: ۱. دوری و نزدیکی عناصر به یکدیگر (تُنک و انبوه)؛ ۲. اندازه قطعات (شامل ارتفاع و مساحت بلوک‌های شهری)؛ ۳. فضاهای پر و خالی.

شایان ذکر است که تراکم را می‌توان به روش‌های مختلفی اندازه‌گیری و بیان کرد. درباره چگونگی اندازه‌گیری تراکم اتفاق نظر وجود ندارد اما در همه موارد، نتیجه به‌عنوان یک تناسب ارائه می‌شود. در بررسی تراکم شهری، اصولاً مبنای بررسی، محاسبات عددی ابعاد اراضی مورد بررسی و تناسب فضاهای پر و خالی با یکدیگر است؛ اما با توجه به اینکه در منابع تاریخی داده‌هایی به دقت عدد و رقم وجود ندارد، در پژوهش حاضر، نتایج بررسی‌ها به‌صورت توصیفی آورده می‌شود.

۶.۱. دوری و نزدیکی عناصر به یکدیگر

منظور از آنچه در این بخش به‌عنوان دوری و نزدیکی عناصر مورد بحث قرار می‌گیرد، تَنک بودن و انبوهی توده‌های ساخته‌شده شهری و سنجش توده باغ‌ها با شهر از این دیدگاه است. نکته مسلم این است که موضوع مورد بحث این پژوهش یعنی باغ‌ها، که در حالت اصیل خود دارای یک یا چند بنای مختصر بوده و غالب سطح آن‌ها را فضای سبز اشغال می‌کرده است، خود جزء فضاهای کم‌تراکم شهری محسوب می‌شده‌اند. حتی در حال حاضر، با وجود ساخت‌وسازهای جدید و افزوده شدن چند بنا، بخش‌هایی از باغ که باقی مانده‌اند، از همین دست به حساب می‌آیند. اما درباره بافت شهری به‌عنوان بستری که باغ‌ها را در بر می‌گیرد، مقایسه حالت جدید و قدیم اهمیت می‌یابد. چهره شهر اشرف البلاد، آن‌گونه که در منابع به آن اشاره شده، شهری سرشار از درختان و فضای سبز بوده است. این توصیف از باغ چه در زمان برپایی شهر در زمان شاه‌عباس اول صفوی، که توسط پیترو دل‌واله مشاهده و توصیف شده است و چه در دوره‌های پیش از صنعتی شدن شهر که در زمان پهلوی اول اتفاق افتاد، نسبتاً یکسان است؛ چنان‌که دل‌واله از

درختان فراوان شهر به شگفت آمده و نمی‌داند که اشرف البلاد را شهری بنامد که در جنگل ساخته شده یا جنگلی که به‌علت ساخت خانه‌ها چهره شهر به خود گرفته است (دلاواله ۱۳۷۰، ۱۵۹). توجه به این نکته نیز خالی از لطف نیست که شاه‌عباس هم به‌علت همین زیبایی و صفای روستایی، اشرف البلاد را برای سکونت چندماهه‌اش می‌پسندیده و در نتیجه تصمیمی برای تغییر آن و تبدیلیش به شهری همانند شهرهای دیگر نداشته است.^{۱۹}

سطح وسیعی از این سرسبزی شهر را باغ‌های شخصی مردم تشکیل می‌داده است و در بخش‌هایی که مساحتی کمتر از سطح مربوط به مردم عادی را به خود اختصاص می‌دادند، باغ‌های سلطنتی و احتمالاً باغ‌های درباریان و اطرافیان شاه جای داشته است. انبوهی درختان در این باغ‌های شخصی تا حدی بوده که دلاواله که در زمان اقامتش در این شهر، در یکی از همین خانه‌ها سکونت داشته اشاره می‌کند که به‌علت انبوهی درختان آفتاب هیچ‌گاه بر زمین آن باغ نتاییده است (همان، ۱۶۰). اگرچه سفرنامه‌نویسانی که در زمان‌های مختلف از شهر بازدید کرده‌اند، جمعیت ساکن در آن را متفاوت بیان کرده‌اند که در مواقعی کمتر و گاهی بیشتر می‌شده است. نسبت این جمعیت (حتی در حالت حداکثری آن) به سطحی است که برای خانه‌سازی در اختیار داشته‌اند و نحوه خانه‌سازی رایج در آن زمان، ساختن خانه‌هایی را با باغ‌های پیرامون که طبیعتاً فاصله میان خانه‌ها را بیشتر می‌کرده، ایجاب می‌کرده است.

با این اوصاف می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به ابعاد بسیار بزرگ باغ‌های شاهی نسبت به زمین‌های شخصی مردم، فاصله میان بناهای ساخته‌شده در قطعات زمین در آن‌ها بیشتر از خانه‌های مردم بوده است. بنابراین در سنجش تراکم بافت ساخته‌شده شهری در زمان برپایی شهر، باغ‌های شاهی در جایگاه بافت تنک شهری و زمین‌های مردم در قسمت انبوه شهر قرار می‌گیرند. اما نکته مورد توجه این است که آنچه در طول زمان اتفاق افتاده، یعنی افزایش بی‌رویه ساخت‌وسازها و تبدیل زمین‌های باغی، حتی در موارد بسیار وسیعی زمین‌های مربوط به باغ‌های شاهی، به ساختمان‌های چندطبقه، تناسب میان تراکم ساختمان‌ها را بر هم زده و تنها باغ شاهی برجامانده را با شرایط متفاوت و عجیبی مواجه کرده است؛ به‌گونه‌ای که تفاوت ناچیز میان انبوهی و تنگی باغ‌ها با شهر، اکنون به فاصله‌ای درخور توجه تبدیل شده که به‌آسانی قابل چشم‌پوشی نیست.

۲.۶. اندازه قطعات (ابعاد بلوک‌های شهری)

همان‌طور که در بخش پیشین هم به آن اشاره شد، اشرف البلاد تا پیش از زمان صنعتی شدن شامل خانه‌باغ‌هایی تک‌واحدی و با فاصله بود. بنابراین می‌توان حدس زد که با توجه به وجود باغ‌های شخصی پیرامون هر خانه، اندازه قطعات مربوط به هر خانوار نباید شامل مساحت کوچکی می‌شده است. به‌خصوص در بدو برپایی شهر که زمین‌های شهر هنوز مالکان شخصی نداشتند و به‌علت کوچانیدن افراد به آنجا، به‌خصوص آنطور که از قوانین زمان شاه‌عباس روایت می‌شود، با تغییر دین و گرویدن به اسلام شیعی، می‌شد زمین‌های بیشتری به دست آورد.^{۲۰} اما با گذشت زمان، متروک و مسکون شدن‌های پیاپی شهر از سوی و تجزیه بلوک‌های موجود به‌علت تقسیم میراث یا اسکان دادن فرزندان در زمین‌های موروثی پدری از سوی دیگر، شرایط پیچیده‌ای را برای تصور جمعیت شهر و متعاقب آن ابعاد بلوک‌های شهری ایجاد کرده است. اما نکته واضح این است که در دهه‌های اخیر، با رشد چشمگیر جمعیت، افزایش نرخ مهاجرت به شهرها، افزایش قیمت زمین در شهرها، تغییر الگوهای رایج ساخت‌وساز و متعاقب تمام این‌ها افزایش تراکم در بافت‌های شهری، می‌توان ادعا کرد که اندازه قطعات و مساحت بلوک‌های شهری به کوچک‌ترین اندازه در سالیان عمر این شهر رسیده است. از طرف دیگر، رشد بلوک‌های شهری در بُعد ارتفاعی نیز وضعیت جدیدی را پیش روی منظر شهری باغ قرار داده که در جای خود قابل بحث و تفکر است. تا پیش از تغییرات مربوط به الگوهای ساخت‌وساز که متعاقب صنعتی شدن وارد شهرهای ایران شد، ساخت‌وسازهای شهری نیز به‌خصوص در شهرهای شمالی ایران، با ساخت‌وسازهای روستایی تفاوت چندانی نداشت. آن‌گونه که در منابع مکتوب آورده شده، ساختمان‌های رایج سکونت مردم این ناحیه، چه در زمان برپایی شهر و چه بعد از آن تا پیش از قرن حاضر، عبارت بوده است از خانه‌های چوبی یا آجری ساده با سقف‌هایی پوشیده از چوب، پوشال، نی یا سفال که حداکثر، آن‌هم برای فاصله گرفتن از رطوبت زمین، دوطبقه ارتفاع داشتند (سر ندیسن ۱۳۳۹، ۱۹۴؛ رابینو ۱۳۶۵، ۹۱؛ دلاواله ۱۳۷۰، ۱۵۹).

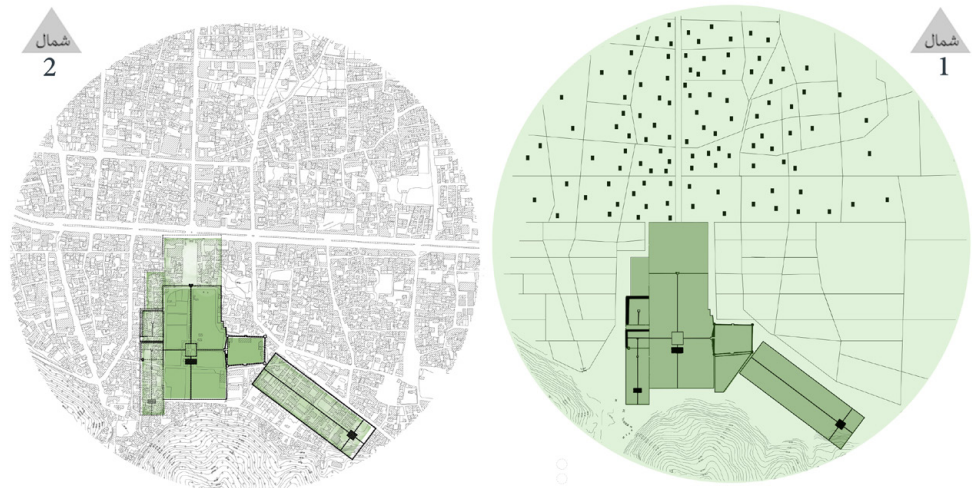
بنا بر آنچه گفته شد، اگرچه تناسب ابعاد بلوک‌های مربوط به باغ‌های شاهی در مقایسه با ابعاد زمین‌های شخصی مردم تا پیش از صنعتی شدن شهر نیز تفاوت چشمگیری داشته است، با تغییر الگوهای شهرسازی در دهه‌های اخیر و به هم خوردن ساختار سنتی شهر از سویی و تبدیل بسیاری از زمین‌های باغ‌های شاهی به خانه‌های شخصی مردم از سوی دیگر، این تناسب را بر هم زده و آن را به طرز شگفت‌انگیزی متفاوت کرده است؛ زیرا بخش‌های باقی‌مانده از باغ‌های شاهی نسبت به خانه‌های مردم بسیار بسیار بزرگ‌تر است. از طرف دیگر با ثابت ماندن ارتفاع بخش‌های باقی‌مانده از باغ‌های شاهی و رشد فزاینده ارتفاع در ساخت‌وسازهای اخیر، تناسب ارتفاعی بناهای شهری نیز در مقایسه با باغ‌ها به هم خورده است.

۳.۶. فضاهای پر و خالی

برای فهم هرچه بهتر منظر شهری که شامل باغ‌های تاریخی نیز می‌شود، کنار هم دیدن فضاهای پر و خالی اهمیت بسزایی دارد. برونو زوی در این باره چنین می‌گوید: «برای مرور و درک ستون‌های یک معبد یونانی و یا دروازه‌ای اثر برونلسکی، فقط قسمت‌های پر معنی ندارد، بلکه فاصله بین آن‌ها، یعنی خلأ دوبرعی و پرسپکتیوی نیز دارای معناست. طبعاً درک این موضوع برای کسی که در این زمینه بی‌اطلاع است، دشوار خواهد بود. تملک و دریافت مقعرهای معماری، به‌ویژه تعقیب پی‌درپی آن‌ها نیاز به کوشش و تلاش بیشتر دارد» (۱۳۷۹، ۱۴). زمانی که در پی درک تکثر و به هم پیوستگی فضای شهری هستیم، با مسئله‌ای بسیار دشوار روبه‌رو خواهیم شد. در این تناسب که برای سنجش تراکم در بافت شهری در نظر گرفته می‌شود، منظور از فضاهای پر، قسمت‌های ساخته‌شده یعنی ساختمان‌ها و منظور از فضاهای خالی، قسمت‌های ساخته‌نشده اعم از حیاط‌ها، فضاهای سبز، فضاهای ارتباطی، میدان‌ها و فضاهای تجمع روباز و مانند آن‌هاست. با این توصیفات، اگرچه از نسبت فضاهای پر به مجموع مساحت باغ‌های شاهی عدد کوچکی به دست خواهد آمد، این عدد در مقایسه با عددی که از تناسب سطح اشغال بناهای شخصی و عمومی ساخته‌شده نسبت به کل مساحت شهر (در زمان تأسیس) تفاوت چندانی نخواهد کرد.^{۲۱} در نتیجه می‌توان گفت نسبت فضای ساخته‌شده به کل فضا در باغ‌های شاهی در مقایسه با نسبت فضاهای ساخته‌شده به کل فضا در شهر صفوی که بستر باغ‌ها را شکل می‌داده، تفاوت چندانی نداشته است. به عبارتی، از این لحاظ باغ‌های شاهی و شهر دربرگیرنده آن‌ها، منظر شهری همگنی را شکل می‌داده‌اند که در یک نگاه چشم‌اندازی چشم‌نواز را ایجاد می‌کرده است.

نتایج برهم‌نهی وضعیت تاریخی شهر با شهر امروزی نشان می‌دهد که در تغییرات شهری معاصر این تناسب نیز به هم خورده است. ساختمان‌ها نه تنها در شهر، بلکه در باغ‌های تخریب‌شده شاهی نیز جای فضاهای باز را گرفته‌اند. این مسئله شکافی میان بخش‌های برجای‌مانده از باغ‌های شاهی و منظر شهری به وجود آورده است؛ زیرا تناسب فضاهای پر و خالی در باغ به نسبت شهر بسیار متفاوت است. در این میان آنچه از دست رفته، نه تنها بخش‌های بزرگی از خود باغ‌ها و تأثیرشان در منظر شهری، بلکه چشم‌اندازی همگن و چشم‌نواز به‌عنوان یکی از ارزش‌های شهر و باغ‌های تاریخی آن بوده است.

حال برای داشتن جمع‌بندی کلی از این بخش، باید اطلاعات سه بخش گذشته را کنار هم گذاشت. آن‌گونه که از اطلاعات موجود فهمیده می‌شود، شهر اشرف البلاد صفوی (و حتی در دوره‌های افشاری و قاجار تا پیش از پهلوی) شهری کم‌تراکم بوده که اگرچه از لحاظ انبوهی، ابعاد قطعات و تناسب میان فضاهای پر و خالی تفاوت‌هایی با باغ‌های شاهی داشته، این تفاوت‌ها اندک و قابل چشم‌پوشی بوده‌اند. این کمی فاصله تراکم میان آن‌ها منجر به ایجاد منظر یكدست می‌شده که باغ و شهر را از یک جنس نشان می‌داده است. این ویژگی وضعیتی منحصربه‌فرد را برای شهر اشرف البلاد در مقایسه با سایر شهرهای صفوی که آن‌ها نیز دربرگیرنده باغ‌های شاهی بوده‌اند، به وجود می‌آورده است. در واقع وضعیت طبیعی ویژه این شهر این خصلت را فراهم می‌آورده که باغ و شهر در یک بستر طبیعی یکپارچه به هم پیوند بخورند (تصویر ۹). این ویژگی منحصربه‌فرد که باعث یکپارچگی باغ و بستر می‌شده است، چیزی نبود که به مرور زمان از بین برود^{۲۲} و می‌توان ادعا کرد که به دست انسان‌ها و به‌علت عدم آگاهی به ارزش‌های منظر شهری در سیاست‌گذاری‌های بالادست به وقوع پیوسته است.



تصویر ۹: تراکم شهری در شکل قدیم (۱) و جدید (۲) شهر که گویای به هم خوردن تناسب میان باغ‌ها و شهر از نظر تراکم شهری است. خانه‌های پراکنده در زمین‌های مردم در منظر شهری تاریخی در مقایسه با ساختمان‌های بهم‌فشرده و چندطبقه امروزی که گویی بخش‌های باقی‌مانده از باغ‌های تاریخی شهر را در خود می‌فشارند.

۷. بحث: تحلیل رابطه باغ‌های شاهی و شهر در منظر شهری اشرف البلاد در دوره صفوی

در منظر هر شهر عناصری وجود دارند که در طول زمان دستخوش تغییر و تحول می‌شوند، اما در عین حال اجزایی هم وجود دارند که در طولانی‌مدت تقریباً بدون تغییر یا با تغییرات جزئی باقی می‌مانند. این اجزا که در طول زمان نقش مهمی در تعیین شکل و چشم‌انداز شهر دارند، ساختار شهر را تشکیل می‌دهند. توجه به ساختار شهر در بحث باغ و منظر شهری از این باب اهمیت می‌یابد که با شناخت ریشه ارتباط میان این دو در ساختار شهری، که بدنه ثابت و باقی‌مانده شهر را تشکیل می‌دهد، می‌توان سیاست‌های ماندگارتری برای حفاظت آنچه از این ارتباط ساختاری باقی مانده است برگزید. بنابراین در این مقاله پیوندهای میان باغ‌های صفوی اشرف با منظر شهری دربرگیرنده‌اش از دیدگاه ساختار شهری مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور، نقاط شاخص شهری در ایده‌های اصلی طراحی اولیه شهر، ساختارهای ارتباطی شهر، سلسله‌مراتب شهری و همچنین تراکم شهری مورد بررسی قرار گرفتند.

در ابتدا روشن شد که در طراحی شهر اشرف البلاد دو نکته حائز اهمیت فراوان است. اول اینکه ایده اصلی طراحی باغ‌ها و شهر به صورت هماهنگ بر پایه جلوه دادن اهمیت باغ دولتخانه (شاه) که محل اصلی حضور پادشاه و مکان حکومتی شهر بوده ترتیب یافته است. بر همین اساس طرح باغ‌درباغ که در آن باغ‌های دیگر این باغ را همچون گوهری در میان می‌گرفتند، در طراحی باغ‌ها مد نظر قرار گرفت و سپس با استفاده از عناصر طبیعی همچون تپه‌ها و عناصر انسان‌ساخت همچون مزارع و زمین‌های عامه، لایه‌های دیگر حمایتی به این طرح اضافه شدند. دوم اینکه طراحی کل شهر بر مبنای یک خط (خیابان اصلی شهر) و یک نقطه (مجموعه باغ‌های شاهی) استوار شده است. بر اساس اصول و مبانی طراحی، خط همواره معنای حرکت را تداعی می‌کند و نقطه، نماد تمرکز و توجه است و بر همین اساس وقتی نقطه‌ای در طراحی در منتهی‌الیه یک خط قرار داده شود، غرض طراح بی‌شک تقویت حس جهت‌یابی ذهنی مخاطبان و جلب توجه بیشتر به آن خط بوده است.

در بخش بعدی، شبکه ارتباطی طرح‌ریزی شده در اشرف البلاد صفوی بررسی شد. مطالعات این بخش نشان می‌دهد که ساختار ارتباطی اشرف البلاد مبتنی بر شبکه‌ای ساده بود که عناصر اصلی منظر شهر را به یکدیگر متصل می‌کرد. خیابانی شمالی جنوبی که تپه‌های دربردارنده باغ‌های شاهی را به دریا متصل می‌کرد و خیابان‌های درجه دو و سه که

عمود بر این خیابان وظیفه اتصال زمین‌های مسکونی عامه مردم را به این شریان اصلی بر عهده داشتند. بررسی‌ها مؤید این فرض هستند که شبکه ساده ارتباطی که در میان بخش مردم‌نشین شهر گسترده شده بود، منطبق بر شبکه انتقال آب سطحی بوده است. مسیری که آب را از بالادست جنوبی شهر به پایین دست و باغ‌های مردم هدایت می‌کرده است و در این میان زمین‌های شهر، با طرح هندسی مستطیلی برگرفته از هندسه کرت‌های باغ به وجود آمده‌اند. در نهایت، مفصلی به نام میدان هم با انجام اتصال میان بخش عامه‌نشین و بخش شاه‌نشین شهر، این مجموعه را کامل می‌کرد که بر اساس اسناد تاریخی مرکز تجمعات مردم و دیدار با شاه بود.

سپس سلسله‌مراتب شهری در لایه‌های مقیاسی مختلف از مقیاس کلان تا خرده‌مقیاس‌هایی که به آن عمق می‌بخشیدند، در ساختار شهر اشرف البلاد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مطالعات این بخش روشن کرد که ساختار خطی ساده‌ای که در بخش پیش نیز به آن اشاره شد، در بزرگ‌ترین مقیاس با چینش عرصه‌های کلی شهر، شامل شاه‌نشین و عامه‌نشین و عرصه‌های طبیعی کوه و دریا، و خطوط ارتباطی میانشان تعریف می‌شود و در مقیاس کوچک‌تر با فضاهایی همچون باغ‌ها، میدان، خیابان، زمین‌های مردم و روابط میان این فضاها تعریف می‌شود. در مقیاس جزئی‌تر وجود ریزفضاهایی مانند دروازه‌ها، حوض‌ها، مسیرهای گردش آب، گیاهان تعریف‌کننده لبه‌ها کوشک‌ها و... به سلسله‌مراتب فضایی حاکم بر شهر عمق بیشتری می‌بخشند. همین مسیر را می‌توان همچنان در لایه‌های دیگر که بیش‌تر به جزئیات طراحی کالبدی و حتی غیرکالبدی فضاها می‌رسند ادامه داد؛ اگرچه در این پژوهش اسناد تاریخی مورد بررسی دامنه اطلاعاتی محدودی داشتند که از این امکان جلوگیری می‌کرد.

همان‌طور که پیش‌تر مشاهده شد، در این پژوهش، ارتباط باغ‌های شاهی شهر اشرف البلاد با منظر شهری از لحاظ تراکم شهری از سه جهت سنجیده شد. اول از نظر فاصله میان بناهای ساخته‌شده که در باغ‌های شاهی به‌علت وسعت و گستردگی‌شان به نسبت زمین‌های شهری و بناهای کمتری که در دل خود جای داده بودند، طبیعتاً این فاصله به مقدار قابل توجهی بیشتر بوده است. این مسئله تفاوتی در بخش شاه‌نشین و عامه مردم ایجاد می‌کرده که امروزه به‌دلیل ساخت‌وسازهای فراوان از میان رفته است. شایان ذکر است که این ساخت‌وسازها که هم در محدوده مردم و هم در مساحت اشغال‌شده باغ‌ها رخ داده است، در حال حاضر، تمام گستره شهر را به چشم‌انداز یکسانی از ساخت‌وساز متراکم تبدیل کرده است. دوم، ابعاد قطعات شهری که چنان‌که گفته شد، با توجه به منابع موجود و منطق حاکم بر مالکیت اولیه زمین‌ها می‌توان گمان برد که ابعاد زمین‌های مردم نیز کوچک نبوده؛ ولو اینکه هر قطعه چندین بنای کوچک و بزرگ را در خود جای می‌داده است. از این لحاظ نیز تغییرات شهرسازی امروزین قابل توجه است. از طرف دیگر با ثابت ماندن ارتفاع بخش‌های باقی‌مانده از باغ‌های شاهی و رشد فزاینده ارتفاع در ساخت‌وسازهای اخیر، تناسب ارتفاعی بناهای شهری نیز در مقایسه با باغ‌ها به هم خورده است. مسئله سوم که در این پژوهش در بخش مربوط به تراکم مورد بررسی قرار گرفت، بحث تناسب میان فضاهای پر و خالی در منظر شهر بود. واضح است که چه در میان باغ‌های شاهی و چه در بخش عامه‌نشین، با وجود تفاوت‌هایی که پیش از این هم به آن‌ها اشاره شد، کفه این تناسب به‌سمت فضاهای خالی، به معنی فضاهای ساخته‌نشده توسط انسان، سنگین‌تر بوده است که گویای هماهنگی و هارمونی موجود میان باغ‌های شاهی و منظر شهری از این لحاظ بوده است.

نتیجه

حفاظت از باغ‌های تاریخی ایران در معنای ایدئال خود کیفیات متعددی را ایجاب می‌کند. در این پژوهش، این مقوله از نگاه پیوند این باغ‌ها با منظر شهری مورد بررسی قرار گرفت؛ زیرا در نظر گرفتن آن‌ها در بحث حفاظت از این آثار ارزشمند، به حفاظت کامل‌تر و جامع‌تری منتهی خواهد شد. اگرچه همان‌طور که در پیشینه این پژوهش به آن اشاره شد و در سایر مطالعات و مداخلات حفاظتی باغ‌های تاریخی ایران نیز قابل مشاهده است، مسئله نگاه یکپارچه به باغ‌ها و منظر شهری چندان مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین در آغاز مقاله در قالب مروری بر مبانی نظری، نگاهی به چرایی این بحث و ضرورت طرح آن صورت گرفت. نتیجه این بررسی‌ها نشان داد که مطالعه یکپارچه باغ‌ها و منظر

شهری که آن‌ها را در خود جای داده بوده است، دست کم از چند جهت اهمیت می‌یابد. اول از جهت ایجاد امکان مطالعه دقیق‌تر و جامع‌تر که در اغلب منشورها و توصیه‌نامه‌های حفاظتی بر آن تأکید شده است. واضح است که در چنین شکلی از مطالعات ویژگی‌های کمتری از باغ‌های تاریخی دیده‌نشده باقی می‌مانند. دوم از جهت اینکه با مبنا قرار دادن مطالعات یکپارچه طبیعتاً مداخلات حفاظت نیز به سمت صیانت از یکپارچگی مکان پیش خواهد رفت. سومین مورد اهمیت یافتن چنین شکلی از مطالعه، حفظ هویت مکان و اطمینان از انتقال معنای نهفته در آن به کاربران است که با حفاظت هرچه بیشتر از خصوصیات بصری و ویژگی‌های ادراکی مکان صورت می‌گیرد. چهارم اینکه در چنین شکلی از مطالعات با بیرون کشیدن و کشف ریزترین جزئیات نهفته در پیوندهای باغ تاریخی با محیط پیرامونی، تنوع ذاتی باغ ایرانی که معرف شاخص بودن باغ است نیز مورد غفلت قرار نمی‌گیرد. به بیان دیگر، آنچه ذکر شد دلایلی بر لزوم گنجانیدن دیدگاه منظر شهری در حفاظت از باغ‌های تاریخی ایرانی ارائه می‌کند که موجب پررنگ‌تر شدن ارزش‌های ماهوی این باغ‌ها و در نتیجه انجام یافتن رسالت اصلی حفاظت که همان انتقال پیام آثار تاریخی به بهترین شکل ممکن است، می‌شود. در ادامه، روابط میان باغ و شهر از نگاه بررسی ساختار شهری مورد مطالعه قرار گرفت. اگرچه این روابط را از زوایا و مقیاس‌های مختلفی می‌توان مورد ارزیابی قرار داد، بی‌اساس نیست اگر گفته شود که یکی از واضح‌ترین جنبه‌های تفاوت منظر شهری تاریخی و امروزین شهر اشرف البلاد، تغییراتی است که به‌طور کلی در ساختار شهری آن رخ داده است. مطالعات انجام‌شده تأییدی بود بر اهمیت باغ‌های شاهی در مراحل مختلف طراحی شهر؛ چنان‌که به نظر می‌رسد شهر بدون وجود این باغ‌ها می‌توانست ساختار متفاوتی داشته باشد. پژوهش‌های انجام‌شده نشان داد که در طراحی شهر از ابتدا به مکان استقرار باغ‌های شاهی از جهت دسترسی بلاواسطه به منابع آب، دفع هرزآب‌ها، دید و منظر و تأمین امنیت توجه شده است؛ به‌گونه‌ای که چیدمان سایر عرصه‌های شهر پس از تعیین موقعیت مکانی عرصه شاهی صورت پذیرفته است.

در ساختار ارتباطی شهر صفوی نیز باغ‌ها جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که در واقع خیابان اصلی شهر امتدادی از خیابان اصلی باغ‌شاه به‌عنوان قلب مجموعه شاهی است و شبکه ارتباطی متعامدی که با انطباق بر سیستم انتقال آب در شهر پیاده شده بود، ایده کرت‌بندی زمین‌های باغ را به زمین‌های شهر نیز تسری می‌دهد است. بر اساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت که نه‌تنها مجموعه این باغ‌ها در سلسله‌مراتب شهری اشرف البلاد به‌عنوان یک عرصه شاهانه با روابط مشخص با سایر عرصه‌ها تعریف شده بودند، بلکه در مقیاس کوچک‌تر خود باغ‌ها نیز یک‌به‌یک در سلسله‌مراتب شهری نقش متفاوتی به خود می‌گیرند و حتی به همین دلیل جزئیات متفاوتی در نحوه طراحی و اجرای هر باغ به چشم می‌خورد. در آخر نیز رابطه باغ با منظر شهری از دیدگاه تراکم و فشردگی ساخت‌وساز شهری مورد بررسی قرار گرفت. این بخش از مطالعات نشان داد که این پیوند در دوران پیدایش شهر در زمان صفوی پیوندی همگون بوده است که موجب می‌شده باغ‌ها و شهر منظر یکپارچه و هماهنگ را خلق کنند؛ اگرچه امروزه این یکپارچگی مخدوش شده و از میان رفته است. بنابراین می‌توان گفت اگرچه این مقاله مدعی ارائه همه جنبه‌های ارتباط میان این باغ‌ها و شهر در دوره صفوی نیست، پژوهش حاضر مبین کیفیاتی از باغ‌های شاهی و منظر شهری اشرف البلاد است که توجه به آن‌ها برای دستیابی به یک طرح حفاظتی جامع و فراگیر لازم است.

تشکر و قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای آتلیو پیتروچولی برای کمک‌های فراوان فکری و در اختیار گذاشتن برخی از منابع و همچنین از دانشگاه رم - ساینز برای حمایت از پیشبرد روند این پژوهش و در اختیار گذاشتن منابع و فضای مناسب صمیمانه سپاسگزاری کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. نک: ابوتی و جیحانی ۱۳۹۱.

2. Distinctions

۳. برای مطالعه بیشتر نک: Alemi 1997؛ مسعودی ۱۳۹۶.
۴. باید در نظر داشت که آنچه در مطالعات تاریخی با عنوان طراحی خوانده می‌شود، با آنچه امروزه بدین نام گفته می‌شود بسیار متفاوت است (نک: عالمی ۱۳۹۱).
۵. در این روند، کل بر اجزا مقدم است و اجزای خود را مرحله به مرحله به وجود می‌آورد (الکساندر ۱۳۸۷).
۶. البته واضح است که اردوی شاهی ابتکار صفویان نبوده و از قبل وجود داشته است. پژوهشگرانی از جمله مهوش عالمی، ماریا اوا سابتلنی، آنیلو پتروچیولی و لیزا گلمبک، پیشینه چنین ایده‌ای را تا دوره تیموری و حتی مغول می‌رسانند.
۷. همان طور که کریستوفر الکساندر از آن با عنوان «تکامل ایده اصلی» یاد می‌کند (Alexander 2004, vol. 2: 259).
۸. برگزیدن الگوی باغ دریاغ برای طرح باغ‌های شاهی در اصفهان نیز تکرار می‌شود. در آنجا نیز ترکیب دیوان‌خانه برای انجام کارهای حکومتی، باغی به‌عنوان حرم و خلوت برای زندگی خصوصی شاه و دروازه ورودی و میدان و خیابان دیده می‌شود (عالمی ۱۳۸۵، ۷۵).
۹. برخی از سفرنامه‌نویسان از جمله پیتر دلاواله و الکساندر بهلر به وجود این خیابان در دوره‌های مختلف اشاره کرده‌اند (دلاواله ۱۳۷۰، ۲۷۵؛ بهلر ۱۳۹۰، ج. ۱: ۶۵).
۱۰. مهوش عالمی برای خیابانی نظیر چهارباغ نقش تفرج را به‌عنوان یکی از عملکردهای اصلی مکان برمی‌شمرد (عالمی ۱۳۸۵، ۷۵).

11. Terry Allen

۱۲. عالمی میدان صاحب‌الامر تبریز را از قدیمی‌ترین نمونه‌های میدان می‌داند که این نقش را پذیرفته است (همان، ۷۶).
۱۳. اگرچه دلاواله دقیقاً توضیح می‌دهد که با وجود این ورودی برای ورود به باغ‌شاه ابتدا به باغ شمال و سپس از آنجا به باغ‌شاه وارد شده است (دلاواله ۱۳۷۰، ۱۵۵).
۱۴. دونالد ویلبر به وجود یک نقاره‌خانه نیز در بالای سردر اصلی ورودی باغ‌شاه، یعنی همان ورودی از میدان اشاره می‌کند: «بر روی سر در اصلی، تالاری به نام تالار نقاره‌خانه قرار داشت، چون در اصفهان و سایر شهرهای بزرگ ایران معمول بود که طلوع و غروب آفتاب را به‌وسیله نقاره اعلام کنند» (ویلبر ۱۳۸۳، ۱۳۹).
۱۵. در شهرهای ایرانی می‌توان پیروی از نظام قدرتمند حاکم بر سلسله‌مراتب شهری را مشاهده کرد. این نظام قدرتمند در جایی دستگاه حکومتی، در جایی عناصر و بناهای شاخص مذهبی، در جایی سیستم تجاری و در بسیاری از شهرها ترکیبی از این موارد بوده است.
۱۶. پتروچیولی باغ شالیمار را نمونه‌ای مناسب برای کشف مرحله به مرحله این فرایند می‌داند. به‌گفته او از لحاظ گونه‌شناختی این باغ، تقریباً بدون استثنا، طرحی ترتیب‌یافته بر اساس سلسله‌مراتب دارد: دیوان عام، دیوان خاص، و حرم. این طرح که در کاخ‌ها نیز تکرار می‌شود (Petruccioli 2011: 357)، عالمی نیز تمامی مجموعه باغ‌های صفوی شامل باغ‌های اصفهان، قزوین و مانند آن‌ها را دارای این ویژگی می‌داند (عالمی ۱۳۸۵؛ Alemi 1991).
۱۷. آنچنان که دلاواله (۱۳۷۰، ۲۷۶) توصیف می‌کند و در نقشه‌ای که توسط دموورگان ترسیم شده است نیز مشاهده می‌شود.
۱۸. اگرچه دلاواله عمارت کوشک اصلی باغ‌شاه را تنها متشکل از همین ایوان می‌داند و به‌صراحت بیان می‌کند که این عمارت هیچ اتافی نداشت (همان، ۲۱۵)، در تصاویری که از عمارت افشاری و قاجاری موجود است، تالار میانی به‌عنوان فضای پیش از ورود به اتاق‌های کوشک، که ممکن است بعداً اضافه شده باشند، کاربرد یافته است.
۱۹. کلمن می‌نویسد قصد شاه‌عباس این نبود که شهری بزرگ یا قصری مستحکم در آنجا بسازد. فقط می‌خواست از زیبایی و صفای روستایی که طبیعت در آنجا فراهم ساخته بود، بهره‌مند شده باشد (رابینو ۱۳۶۵، ۱۰۵).
۲۰. دلاواله در زمان دیدار با شاه، پیش از ورود به دیوان‌خانه و باغ‌شاه، در میدان عمومی پیش از ورودی، با جمعیت زیادی از روستاییان گرجی که برای تغییر دین در حضور شاه (و به‌زعم دلاواله برای سودجویی) جمع شده بودند مواجه شد (دلاواله ۱۳۷۰، ۱۶۰).
۲۱. باید توجه داشت که تناسباتی که از آن‌ها صحبت می‌شود، تناسباتی کیفی و توصیفی بر مبنای مدارک موجودند نه از جنس کمی و عدد و رقم. این موضوع در مطالعات تاریخی به‌علت جنس اطلاعات پایه، طبیعی و ناگزیر است. اگرچه دقتی در محاسبات

به دنبال ندارد، گویای کیفیتی از فضاست که برای فهم آن چاره‌ای جز پذیرش نیست.
 ۲۲. واضح است که وقتی به‌وجودآورنده یک امر عوامل طبیعی باشد، رهاشدگی و متروک ماندن به‌تنهایی نمی‌تواند باعث از دست رفتن شود.

منابع

- ابوئی، رضا و حمیدرضا جیحانی. ۱۳۹۱. دشواری‌های فراروی مرمت باغ تاریخی ایرانی. صفحه ۵۷ (۲۱): ۱۱۷-۱۰۷.
- الکساندر، کریستوفر. ۱۳۸۷. *زبان الگو: شهرها*. ترجمه رضا کربلایی نوری. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- ایرانی بهیمانی، هما. ۱۳۹۶. اندیشه‌ای بر مرمت و حفاظت باغ‌های باارزش تاریخی. در مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی باغ ایرانی ۱۳۸۳. به‌کوشش فریاد جواهریان و فاطمه حیدری. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی: ۱۷۲-۱۸۳.
- آتشین‌بار، محمد. ۱۳۸۸. تداوم هویت در منظر شهری. *باغ نظر* ۱۱ (۶): ۴۵-۵۶.
- باباعسگری، علی. ۱۳۵۰. *اشرف البلاد*. تهران: شرکت سهامی ایران چاپ.
- بهزادفر، مصطفی. ۱۳۸۷. هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران). تهران: مؤسسه نشر شهر.
- بهلر، الکساندر. ۱۳۹۰. *سفرنامه بهلر (جغرافیای رشت و مازندران در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار)*. در *سفرنامه‌های عصر ناصرالدین‌شاه، نامه مازندران*. به‌کوشش مصطفی نوری. تهران: البرز.
- بیانچینی، فرانکو. ۱۳۹۳. منظر ذهنی شهر، مفاهیم، بازنمایی‌های فرهنگی و کاربست‌های سیاست‌گذارانه. ترجمه محمدعلی ذکریایی. تهران: تیسرا.
- جیحانی، حمیدرضا و مریم رضایی‌پور. ۱۳۹۶. *منظر باغ، سیر تحول، نقش شهری و اصول شکل‌گیری*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. کاشان: دانشگاه کاشان.
- حیدرنتاج، وحید. ۱۳۸۹. *هنجار شکل‌یابی باغ ایرانی؛ با تأکید بر نمونه‌های عصر صفوی کرانه جنوبی دریای خزر*. پایان‌نامه دکتری. استاد راهنما: سید امیر منصوری.
- _____ . ۱۳۹۱. *گونه‌شناسی باغ‌های تاریخی مازندران*. مجموعه مقالات *اولین همایش ملی هنر تبرستان (گذشته و حال)*: ۳۴۷-۳۶۳.
- دلاواله، پیترو. ۱۳۷۰. *سفرنامه پیترو دلاواله*. ترجمه شعاع‌الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی.
- رابینو، ه. لویی. ۱۳۶۵. *سفرنامه مازندران و استرآباد*. ترجمه غلام‌علی وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رضایی چراتی، بهرام. ۱۳۸۱ الف. *طرح مرمت و باززنده‌سازی باغ‌کوشک چشمه عمارت بهشهر*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. استاد راهنما: محمدمنصور فلامکی.
- _____ . ۱۳۸۱ ب. *کوشک باغ‌های صفوی اشرف البلاد*. طرح مرمت و باززنده‌سازی کوشک باغ چشمه‌عمارت بهشهر. اثر، ش. ۳۶ و ۳۷: ۳۱۸-۳۲۲.
- زوی، برونو. ۱۳۷۹. *چگونه به شهرسازی بنگریم؟ فرارا (اثر بیاچو روسه تی) اولین شهر مدرن اروپایی*. ترجمه فریده گرمان. تهران: توسعه با همکاری گام نو.
- ستوده، منوچهر. ۱۳۶۶. *از آستارا تا استرآباد*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات.
- سر دنیسن، راس. ۱۳۳۹. *سفرنامه استودارت*. ترجمه احمد توکلی. تهران: فرهنگ ایران زمین.
- عالمی، مهوش. ۱۳۸۵. *باغ‌های دوره صفویه، گونه‌ها و الگوها*. ترجمه محسن جاوری. *گلستان هنر*، ش. ۵: ۷۳-۹۱.
- _____ . ۱۳۹۲. *باغ ایرانی، انواع و شکل‌ها*. در *باغ‌های اسلامی، معماری، طبیعت و مناظر*. ترجمه مجید راسخی. تهران: روزنه.
- فریزر، جیمز بیلی. ۱۳۶۴. *سفرنامه فریزر، معروف به سفر زمستانی*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: توس.
- مسعودی، عباس. ۱۳۹۶. *تجزیه و تحلیل الگوی مرجع باغ ایرانی*. در *مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی باغ ایرانی* ۱۳۸۳. به‌کوشش فریاد جواهریان و فاطمه حیدری، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی: ۱۵۴-۱۶۱.

- مصباح نمینی، سلماز. ۱۳۸۳. روند شکل‌گیری مجموعه باغ‌های تاریخی بهشهر. باغ نظر ۲ (۱): ۶۸-۵۵.
- _____ . ۱۳۸۶. طراحی منظر باغ‌های تاریخی بهشهر و قلمرو آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. استاد راهنما: سید امیر منصوری.
- ویلبر، دونالد. ۱۳۸۳. باغ‌های ایران و کوشک‌های آن. ترجمه مهین دخت صبا. تهران: علمی و فرهنگی.
- Alemi, Mahvash. 1991. "Urban Spaces as the Scene for the Ceremonies and Pastimes of the Safavid Court". In *Environmental Design: Journal of the Islamic Environmental Design Research Centre 1-2*, edited by Attilio Petruccioli, 98-107. Rome: Dell'oca Editore.
- ----- . 1994. *I Giardini Reali Di Ashraf e Farahâbâd*. Edited by Attilio Petruccioli. Il Giardino Islamico: Architettura, Natura, Paesaggio. Milano: Electa.
- ----- . 1997. "The Royal Gardens of the Safavid Period: Types and Models". In *Gardens in the Time of the Great Muslim Empires: Theory and Design*, edited by Attilio Petruccioli, 72-96. Leiden; New York: E.J. Brill.
- Allen, Terry. 1983. *Timurid herat*. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag. Bottom of Form.
- Alexander, Christopher. 2004. *The Nature of Order: An Essay on the Aart of Building and the Nature of the Universe (Book Four: The Luminous Ground)*. Berkeley, CA: The Center for Environmental Structure. Google Scholar.
- Conzen, M. P. G. 1975. *Geography and Townscape Conservation*. H. Uhlig and C. Lienau, eds., Anglo-German Symposium in Applied Geography, Giessen-Würzburg-München. Giessen: Lenz. P:95-102.
- ----- . 1978. Analytical Approach to the Urban Landscape. In *Butzer, K. W. (ed.) Dimention of Human Geography University of Chicago, Department of Geography Research*. Paper 186: 65-128.
- De Morgan, Jan Jak. 1894. *Mission Scientifique en Perse*. Paris: Ernest Leroux.
- ICOMOS Charter for the Conservation of Historic Towns and Urban Areas (*Washington Charter 1987*).
- ICOMOS Historic Gardens Charter (*Florence Charter 1981*).
- ICOMOS International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites (*Venice Charter 1964*).
- ICOMOS Xi'an Declaration on the Conservation of the Setting of Heritage Structures, Sites and Areas (*Xi'an Declaration 2005*).
- Mesarovic, M. D., Macko, D., and Takahara, Y. 1970. *Theory of Hierarchical Multilevel Systems*. New York: Academic Press.
- Petruccioli, Attilio. 2011. Rethinking the Islamic Garden. In *Yale F&ES Bulletin of Middle Eastern Natural Environments* (103): 349-364.
- Rapoport, Amos. 1980. Vernacular Architecture and the Cultural Determination of Form. in A. D. King (ed.) *Buildings and Society: Essays on the Social Development of the Built Environment*. London: Routledge & Kegan Paul.
- Salingaros, N. A. 2000. The Structure of Pattern Languages. in *arq -- Architectural Research Quarterly* volume 4. pages 149-161. Reprinted as Chapter 8 of *Principles of Urban Structure*, Techne Press, Amsterdam, Holland (June 2005).
- ----- . 2005. Principles of Urban Structures. Amsterdam: Techne Press. Proceedings of the 11th

International Congress on the Virtual City and Territory, “Back to the Sense of the City”, Krakow, Poland, 6–8 July 2016.

- Siravo, Francesco. 2015. Planning and Managing Historic Urban Landscape. In *Reconnecting the City: The Historic Urban Landscape Approach and the Future of Urban Heritage*. Edited by Francesco Bandarin & Ron Van Oers. Chichester: Wiley Blackwell. Pp: 161-179.

- UNESCO. 2012. *New Life for Historic Cities, The Historic Urban Landscape Approach Explained*. Naples.

■ Reading the Urban Landscape of Ashraf al-Belād in the Safavid Period:

Investigating its Relation to the Safavid Garden Complex

Samira Mansouri Roudkoli

Ph.D. candidate, Faculty of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan

Issa Esfanjari Kenari

Assistant Professor, Faculty of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan

Homa Irani Behbahani

Professor, Faculty of Environment, University of Tehran

One of the common trends in researching Persian gardens is assuming them as introverted phenomena, enclosed inside their walls and separated from their surrounding context. In this view, some important features of gardens are ignored. On the other hand, reconstructing the original image of gardens in the contemporary urban landscape gets harder every day due to rapid urban changes. This makes it necessary to study and preserve the historic urban landscapes and their constituent elements. Since urban structure in the Safavid period was directly influenced by gardens built in cities, especially royal gardens, this study focuses on identifying the relation of gardens and the city in Safavid Ashraf al-Belād. This paper aims to find out the quality of the connections between the gardens as the key elements of a historic urban landscape with other components. For this, the historical research approach was used for finding the hidden aspects of this connection. Data and documents were arranged according to the stages of the development of the city. Old and contemporary urban structures were then compared and analyzed based on documented morphological evidence. The results of this research show the structural connection between the royal gardens and the historic city, which has been faded over the years; some expressions of which include the status of these gardens in urban planning stages, urban networks, urban landscape hierarchy systems, and urban density. Based on these results, some qualities of this connection regarding the urban identity are revealed, without which both the values of the city and the heritage of the gardens would be lost.

Keywords: Persian Garden, historic urban landscape, urban structure, Ashraf al-Belād (Behshahr).